

# فهرست نگاری نسخه‌های خطی اسلامی در روسیه و جمهوریهای تازه استقلال یافته

سید محمود مرعشی نجفی

**اشاره:** همایش بین المللی نقد مطالعات روسیه در ایران، در آبان ماه امسال در سن پترزبورگ برگزار شد. دکتر سید محمود مرعشی، متولی و رئیس کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی نیز از دعوت شدگان به این همایش بود. ایشان مقاله‌ای با عنوان «فهرست‌نگاری نسخه‌های خطی اسلامی در روسیه و جمهوریهای تازه استقلال یافته» ارائه کردند، که با استقبال حاضران رو به رو گردید. اینک متن مقاله حجت الاسلام مرعشی از نظرتان می‌گذرد.

کسی پوشیده نیست، زیرا همین نسخه‌های خطی باعث رشد و شکوفایی تمدن و فرهنگ و علوم و فنون و تکامل انسانی و بهترین وسیله انتقال علوم و فنون و تمدن و فرهنگ، از نسلهای و ملت‌ها و امت‌های گذشته، به آیندگان است. در حقیقت، کتاب بزرگترین اختراع بشر است.

همه تمدنها و فرهنگهای بشری مرهون کتاب‌اند؛ چه تمدنهای شرقی و چه تمدنهای غربی. تمدنهای واپسین ریشه در تمدنهای پیش از خود داشته‌اند؛ و بر مبنای فرآورده‌های تمدنهای کهن شکل گرفته‌اند؛ و این کتابهای پیشینیان بوده است که باعث انتقال دستاوردهای معنوی، مادی، فکری و عملی تمدنها و فرهنگهای گذشته به نسلهای بعد شده، و دانشمندان توانسته‌اند با استفاده از آنها تمدن و فرهنگی نو درآندازند.

واقعیت آن است که تمدنهای مغرب زمین وامدار تمدنهای مشرق زمین‌اند. آفتاب همیشه از مشرق طلوع می‌کند؛ و پیامبران،

## تأثیر مخطوطات بر گسترش فرهنگ و تمدنهای بشری

در جهان مادی، که همه چیز موقت، گذرا و فناپذیر است، کتاب، یادگاری ماندگار است.

این مطلب را از دیرباز دانشمندان و متفکران بزرگ دریافته بودند. از این رو، برای نجات بشر از ورطه نابودی و فراموشی، و حفظ و ماندگاری رهاوردهای فکری و علمی و دستاوردهای مختلف بشری، در زمینه‌های گوناگون علوم و فنون، به اختراع خط و کتابت دست زدند؛ و با کشف و اختراع خط، به ثبت و ضبط دانشهای بشری پرداختند. بدین سان، کتاب، عاملی برای ماندگاری بشر درآمد. بنابراین، اهمیت کتاب، به ویژه نسخه‌های خطی، بر

مفکران، حکیمان و فلاسفه، از مشرق برخاسته‌اند؛ تمدنها و فرهنگها نیز از مشرق سربر آورده‌اند؛ و به وسیله کتابت و کتاب به مغرب زمین انتقال یافته‌اند.

تمدن یونان، که کهنترین تمدن مغرب زمین است، وامدار تمدنهای مصر، سوریه، آکاد، سومر، بابل، فارس و هند است. آن‌گاه که مغرب زمین در جهل و تاریکی فرورفته بود، تمدنهای مشرق زمین در اوج شکوه و شکوفایی بودند. و چون ملت یونان از همه کشورهای مغرب زمین به شرق نزدیکتر بود، در قرن هفتم پیش از میلاد، با استفاده از تجربیات و فرآورده‌های شرقیان، بنای تمدنی جدید نهادند و با ترجمه کتابها و رساله‌های شرقیان، علوم و فنون را به یونان انتقال دادند. آن‌گاه رومیان، با استفاده از تجربیات و علوم و فنون یونانی، تمدن روم را پی افکندند.<sup>۱</sup> از امتزاج تمدن شرقی - یونانی، تمدن هلنی پدید آمد.

با ظهور دین اسلام و بهره‌گیری از تمدنهای کهن، تمدنی جدید، که آمیزه‌ای از تمدنهای مشرق زمین و مغرب زمین بود، پدید آمد، که جهان را به بهترین شکل ممکن اداره کرد و به اوج شکوفایی دست یافت.

یقیناً فرهنگ و تمدن اسلامی بستر مناسبی برای رشد و شکوفایی دانش اقوام و طوایفی است که به اسلام گرویدند. پهنه وسیع جغرافیای جهان اسلام، از سواحل اقیانوس اطلس تا دریای چین، نشانه تنوع نژادی پیروان اسلام است. در این گستره پهناور هر قوم و ملتی کوشیده است از موارث علمی نیاکان خویش پاسداری کند؛ و به گونه‌ای شایسته اندوخته‌های علمی جامعه خود را به سایر دانشمندان جهان انتقال دهد. این روحیه تلاشگر در جوامع اسلامی، در تألیف آثار علمی متبلور گردیده است.

در میان مسلمانان، ایرانیان نخستین کسانی بودند که با پشتکاری تحسین برانگیز و شگفت‌آور، نهضت ترجمه و تألیف را بنا نهادند و بیت الحکمه بغداد را رونق بخشیدند. این ادعا بر پایه حجم گسترده نسخه‌های خطی است که دانشمندان ایرانی نگاشته‌اند.

مهمترین عامل شکوفایی تمدن و فرهنگ اسلامی، که از اواخر سده دوم هجری / نهم میلادی آغاز شد، ترجمه کتابهای علمی و فرهنگی و انتقال علوم و فنون گوناگون به امتها و ملل مختلف بود. نهضت ترجمه آثار گذشتگان به عربی، حرکتی بنیادین در تألیف کتابهای جدید و آثار فراوان علمی پدید آورد.

گفته‌اند نخستین کسی که به فکر ترجمه کتب و انتقال علوم پیشینیان افتاد، خالد بن یزید بن معاویه، معروف به حکیم آل مروان بود، که کتابهای قدیمی طب، نجوم و کیمیا را به عربی ترجمه کرد.

ابن ندیم، فهرست‌نگار معروف سده‌های نخستین اسلام می‌گوید: خالد، جماعتی از فلاسفه یونان را، که در مصر بودند و زبان عربی را نیک می‌دانستند، دعوت کرد و به آنان دستور داد کتابهای طب، نجوم و کیمیا را از زبانهای یونانی و قبطی به عربی ترجمه کنند؛ و این اولین انتقال علمی در جهان اسلام بود.<sup>۲</sup> اما واقعیت این است که حرکت ترجمه و نهضت بزرگ انتقال علوم و فنون ملت‌ها و امت‌های دیگر، در اسلام آغاز نشد، مگر با ایجاد بیت الحکمه در بغداد، که خلفای عباسی، از جمله هارون الرشید و مأمون فرزند وی، در اواخر قرن دوم و اوایل قرن سوم هجری آن را پی افکندند. ابن ندیم می‌گوید: ابوسهل، فضل‌بن نوبخت، که در خزانه الحکمه هارون الرشید به سر می‌برد، علوم و فنون فارسیان را به عربی ترجمه کرد.<sup>۳</sup>

فارسیان نیز پیش از آن کتابهای پیشینیان در منطق، طب و دیگر علوم را به فارسی ترجمه کرده بودند؛ و این کتابها را افرادی که زیر نظر ابوسهل و عبدالله بن مقفع به کار اشتغال داشتند، به عربی ترجمه کردند.<sup>۴</sup>

یوحنا بن ماسویه نیز از دیگر مترجمانی بود که هارون الرشید وی را مأمور ساخت تا کتابهای قدیمی طب را - که از آنقره (آنکارا) و عموریه و سرزمینهای روم در جنگ سپاه اسلام با رومیان به غنیمت گرفته شده بود - به عربی ترجمه کنند؛ و او را امین هیئت ترجمه قرار داد و برایش کاتبانی ماهر و حاذق برگزید.<sup>۵</sup>

نهضت ترجمه در زمان مأمون عباسی به اوج خود رسید. مأمون، در نامه‌ای به امپراتور بیزانس، از او خواست تا کتابهایی در علوم مختلف، که در بیزانس موجود بود، برایش ارسال کند. امپراتور روم در آغاز از این کار امتناع ورزید، اما سپس قول همکاری داد. مأمون برای انتخاب، گزینش و انتقال این کتابها، گروهی از عالمانی را که در بیت الحکمه بغداد به کار علمی اشتغال داشتند، همچون حجاج بن مطر، ابن بطریق، سلم صاحب بیت الحکمه و یوحنا بن ماسویه، برای این مأموریت برگزید. آنان پس از گزینش و انتخاب کتب، آنها را به بغداد منتقل ساختند و شروع به ترجمه آن آثار نمودند.<sup>۶</sup>

ابن ندیم و حاجی خلیفه، اسامی مترجمان و ناقلان علوم را

۱. رحلة الکتاب العربی، ۱۷/۱-۱۸.

۲. الفهرست، ص ۳۰۳، ۴۱۹.

۳. همان، ص ۳۳۳.

۴. همان، ص ۱۳۲.

۵. طبقات الاطباء، ص ۶۵؛ عیون الانباء، ۱۷۵/۱.

۶. الفهرست، ص ۳۰۴؛ عیون الانباء، ۱۸۷/۱.

## میراث شهاب

از یونانی، سریانی، قبطی، فارسی، سانسکریت، عبری و... به عربی، به تفصیل ثبت کرده‌اند، که مشاهیر آنان عبارت‌اند از: یوحنا بن بطریق، حنین بن اسحاق، ابوسهل فضل بن نوبخت، یوحنا بن ماسویه.<sup>۱</sup>

مترجمان برجسته‌ای که ناقلان علمی همچون طب، فلسفه، ریاضیات، هیت، نجوم، کیمیا، طبیعیات، جغرافیا و موسیقی بوده‌اند، عبارت‌اند از: بنی موسی شا کر، یوحنا بن ماسویه، جبرائیل بن بختیشوع بن جورجیس، بختیشوع بن جبرائیل بن بختیشوع، سلمویة بن بنان، محمد بن عبدالملک زیات، حنین بن اسحاق عبادی، که به زبانهای فارسی، عربی، یونانی و سریانی آشنایی کامل داشتند؛ یعقوب بن اسحاق کندی، ثابت بن قره حرانی، عمر بن فرخان طبری، کسی که علوم را از فارسی به عربی ترجمه نمود؛<sup>۲</sup> اسحاق بن حنین بن اسحاق، حبیب بن حسن اعسم، قسطنین لوقا بعلبکی، متی بن یونس، سنان بن ثابت بن قره، یحیی بن عدی، عیسی بن اسحاق بن زرعه. اینان در مراکز علمی آن روزگار، مانند مدرسه اسکندریه، مدرسه انطاکیه، مدرسه حران، مدرسه نصیبین، مدرسه الرها، مدرسه جندی شاپور و بیت الحکمه بغداد به کار علمی می‌پرداختند.

راه دوم، صقلیه بود، که پس از فتح آن به دست مسلمانان، بیش از دو قرن از مراکز مهم تمدن و فرهنگ اسلامی به شمار می‌رفت. در این شهر، مدارس و مراکز علمی و کتابخانه‌های فراوانی به وجود آمد، که در آنها علوم اسلامی، به ویژه طب، تدریس می‌شد. پس از اشغال شمال ایتالیا به دست دولت بیزانس، تصادمها و جنگهایی که میان آنان و مسلمانان به وجود آمد، موجب تبادل فرهنگی عمیقی میان ایتالیا و صقلیه گردید؛ و در مدارس صقلیه، مانند سالرنو، اوترانتو و مونت کارینو، دانش و فرهنگ یونانی و اسلامی با یکدیگر برخورد کردند؛ و فرهنگی بارور به وجود آمد. بعد از بازپس گرفتن صقلیه به دست نورماندیاها، مسیحیان و غریبان شروع کردند به ترجمه و انتقال دانش و تمدن اسلامی به زبان لاتین؛ و مدرسه پزشکی در سالرنو تأسیس کردند. گفته‌اند مؤسسان این مدرسه، چهارتن بودند: یکی مسیحی غربی، دیگری یونانی، یک مسلمان و یک یهودی.<sup>۳</sup>

ترجمه علوم و فنون مختلف به عربی، باعث رشد فکری مسلمانان و شکوفایی تمدن اسلامی گردید؛ چنان که دامنه آن تا سرزمینهای مغرب زمین گسترش یافت و اسپانیا را درنوردید و تا مرز فرانسه و ایتالیا پیش رفت.

از آن پس، پادشاهان مسیحی صقلیه، با سیاست تسامحی که در پیش گرفتند، انتقال فرهنگ اسلامی به زبان لاتین را شروع کردند؛ و ترجمه کتابهای اسلامی رونق فراوان یافت؛ به ویژه در عهد پادشاهی فردریک دوم و شارل اینجو و پادشاهان پس از آنان.<sup>۴</sup>

انتقال فرهنگ و تمدن اسلامی و کتابهای دانشمندان مسلمان و ترجمه آنها به زبانهای لاتین و بنای تمدن جدید، از سه راه امکان پذیر گشت، که عبارت‌اند از: صقلیه، اندلس و جنگهای صلیبی. جنگهای صلیبی کمترین و ضعیف‌ترین تأثیر را بر انتقال علوم و فنون اسلامی داشته، و نتایج بسیار اندکی در انتقال و ترجمه کتب اسلامی به زبانهای لاتین ایفا کرده است، اما به هر حال یکی از راههای استفاده غریبان از تمدن و فرهنگ اسلامی بوده است.

راه سوم، که شاهره انتقال تمدن و فرهنگ اسلامی به اروپا و غرب به شمار می‌رود، اسپانیاست، که مسلمانان پس از فتح آن، نامش را اندلس گذاشتند. از همان آغاز، علوم، فنون، فرهنگ و تمدن اسلامی روبه ترقی و شکوفایی نهاد؛ به گونه‌ای که به تمدن و فرهنگ اسلامی در شرق پهلو می‌زد. در آن زمان، قرطبه بزرگترین و متمدن‌ترین شهر اروپایی به شمار می‌رفت.

در اندلس ۱۶۰۰ مسجد، ششصد حمام، دویست هزار خانه، و هشتاد هزار قصر وجود داشت. برخی نوشته‌اند تعداد ساکنان قرطبه و توابع آن به دو میلیون نفر می‌رسید. پیشرفت علم و فرهنگ در اندلس ۱۶۰۰ مسجد، ششصد حمام، دویست هزار خانه، و هشتاد هزار قصر وجود داشت. برخی نوشته‌اند تعداد ساکنان قرطبه و توابع آن به دو میلیون نفر می‌رسید. پیشرفت علم و فرهنگ

کوچکی را پی افکندند. عده‌ای از دانشمندان و نویسندگان غربی به کشورهای شرقی روی آوردند و تا حدودی تحت تأثیر فرهنگ و تمدن اسلامی قرار گرفتند؛ از آن جمله، ادیلارد دوبات بود، که در سالهای ۱۱۱۱-۱۱۱۶ میلادی به شرق آمد. او پس از بازگشت، شروع به ترجمه منابع و کتابهای اسلامی به زبان لاتین کرد و تألیفات خویش را بر مبنای استفاده از منابع اسلامی آغاز نمود. او از نخستین افرادی بود که شروع به ترجمه و انتقال کتب اسلامی به غرب کرد.<sup>۵</sup>

۱. الفهرست، ص ۳۰۴-۳۰۵؛ کشف الظنون، ۹۷/۳-۱۰۰؛ الکتاب العربی المخطوط و علم المخطوطات، ۸۱/۱-۸۴.  
 ۲. الفهرست، ص ۲۴۵.  
 ۳. العلم عند العرب و اثره فی تطور العلم العالمی، ص ۴۳۸.  
 ۴. همان، ص ۴۴۰.  
 ۵. المستشرقون، ۱۸۰/۱.  
 ۶. رحلة الکتاب العربی، ۳۷-۳۵/۱.

و ماده این انتقال علمی گسترده علوم اسلامی از زبان عربی به زبان لاتین را به تفصیل نقل کرده است.

### فهرست نگاری مخطوطات اسلامی در جهان

حجم مخطوطات اسلامی، اعم از عربی، فارسی، ترکی، اردو، ازبکی، تاتاری و... زیاد است، اما براساس نظر متخصصان این فن، تنها حجم مخطوطات عربی در کتابخانه‌های شناخته شده جهان، بیش از سه میلیون جلد است، که در میان آنها نسخه‌های مکرر و کم اهمیت و جدید بسیار است، ولی مخطوطات معتبر و نادر و باارزش آن، حدود نیم میلیون نسخه است که در کشورهای جهان پراکنده است. این میراث گرانقدر اسلامی، قرنهای متمادی در بلاد اسلامی بوده، اما پس از تسلط استعمار اروپایی و غربی بر کشورهای اسلامی، به اروپا و غرب انتقال یافته است.<sup>۸</sup> از مهمترین این مجموعه‌ها مخطوطاتی است که در کتابخانه‌های ترکیه، به ویژه استانبول، موجود است؛ و نزدیک به ۲۵۰ هزار نسخه عربی است. همچنین مجموعه‌ای بزرگ و مشابه آن، در کتابخانه‌های ایران وجود دارد.

در اروپا مهمترین این مجموعه‌ها در پاریس، لندن، برلین، مادرید، اسکوریا، روم، دوبلین، سن پترزبورگ، و در امریکا در پرنتون و ییل قرار دارند. مجموعه‌های بزرگ از مخطوطات عربی نیز در هندوستان، پاکستان، افغانستان و سایر کشورهای اسلامی در آسیا و آفریقا موجود است.<sup>۹</sup>

«فهرس»، که معرب «فهرست» در زبان فارسی است، کتابی است

بدان جا رسید که در شرق قرطبه ۱۷۰ زن بود که با خط کوفی آشنایی کامل داشتند و مصحف شریف را می‌نوشتند.<sup>۱</sup>

در بیشتر مساجد و جوامع اندلس، حلقه‌های درس تشکیل می‌گردید و کتابخانه‌هایی پدید می‌آمد؛ به ویژه در قرطبه، طلیطله و اشبیلیه. دوزی، مورخ مشهور، می‌گوید: در آن زمان، بیشتر مردم اندلس، بلکه همه آنها، قادر به خواندن و نوشتن بودند؛ و فرهنگ و علوم و فنون اسلامی را مستعربین اسپانیایی مسیحی نیز آموخته بودند؛ و حتی به تألیف کتاب به زبان عربی می‌پرداختند. یکی از نویسندگان مسیحی، با این که متعصب بوده، نوشته است: خواهران مسیحی، کتابهای فقهی، فلسفی و علمی دانشمندان مسلمان را می‌آموزند؛ و این مایه تأسف است. از این مهمتر آن که من امروز شاهدم جوانان مسیحی، هیچ علم و ادبی و لغتی را جز لغت عربی نمی‌آموزند؛ و در فراگیری عربی و دانش مسلمانان، از خود علاقه فراوانی نشان می‌دهند؛ حتی کتابخانه‌های بزرگی از تألیفات عربی و اسلامی برای خویش تأسیس کرده‌اند.<sup>۲</sup>

بسیاری از رجال مسیحی، در اندلس آن روزگار نیز لغت عربی را می‌آموختند و به زبان عربی کتاب می‌نوشتند. یوحنا، رئیس اسقفهای اشبیلیه، در سال ۷۶۴ م تورات را از لاتین به عربی ترجمه کرد. پدر فیستی نیز هشت جزء از قوانین کلیسا را به عربی ترجمه نمود. همچنین ربیع بن زیاد اسقف کتابی به عربی نوشت.<sup>۳</sup> همه این تألیفات، متأثر از کتابها و تألیفات عربی دانشمندان مسلمان بود.

طلیطله، که در آن روزگار بزرگترین مرکز دانشگاهی اسلامی در غرب بود، چنان شهرت یافت که دانشجویان مسیحی از اقصی نقاط اروپا، مانند اسکاتلند، انگلیس، ایتالیا، برای استفاده از کتب ارسطو و سایر منابع یونانی به آن جا می‌رفتند؛ تا این کتابها را، که به عربی ترجمه شده بود، بیاموزند.<sup>۴</sup>

هیستر باش، یکی از نویسندگان مسیحی، نوشته است که جوانان مسیحی، به طلیطله می‌رفتند؛ تا هیئت و نجوم و دانش فلکی بیاموزند.<sup>۵</sup> قطعاً اندلس نقش اساسی در انتقال دانش، معارف، فرهنگ و تمدن اسلامی به اروپا و غرب بازی کرد. مستشرقان هم در آن زمان نقشی مهم در انتقال و ترجمه کتابهای اسلامی به زبان لاتین ایفا کردند؛ حتی کلیسای کاتولیک، رجال مسیحی، کشیشها و اسقفهای کاتولیک، در برگردان کتب عربی به لاتین پیشقدم بودند. آنان مدارس را در اندلس، رم<sup>۶</sup> و دیگر شهرهای اروپایی، برای تدریس زبان عربی، عبری و سریانی تأسیس کردند.<sup>۷</sup>

گفتنی است که کتاب رحله الكتاب العربی الی دیار الغرب فکرا

۱. الاسلام و الحضارة العربیة، ۲/۲۵۶.

۲. رحله الكتاب العربی، ۱/۳۶؛ تاریخ الفلسفة فی الاسلام، ترجمه محمد عبدالهادی ابوریثه، ص ۴۱۷؛ حضارة الاسلام، ترجمه عبدالعزیز جاوید، ص ۸۱-۸۲.

۳. المستشرقون، ۹۹/۱.

۴. حضارة الاسلام، صلاح‌الدین خدابخش، ص ۱۵۰؛ رحله الكتاب العربی، ۳۸/۱. همان.

۵. کتاب قانون ابن سینا، که متن عربی آن در سال ۱۵۹۳ م، و کتاب تحریر اقلیدس از خواجه نصیرالدین طوسی، که متن عربی آن در سال ۱۵۹۲ م در رم چاپ شده است، نمونه اندکی از این گونه تلاشهای مسیحیان غربی است. هم اکنون نسخه‌ای از آنها در کتابخانه بزرگ آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی (ره) موجود است.

۶. الآداب العربیة فی القرن التاسع عشر، ۱/۱۱۱؛ خزائن الکتب العربیة فی الخاقین، ۲/۵۷۷.

۷. الکتب العربیة المخطوطات و علم المخطوطات، ۲/۵۰۹؛ فهرس المخطوطات العربیة فی العالم، ص ۱-۲.

۸. الکتب العربیة المخطوط، ۲/۵۰۹-۵۱۰.

## میراث شهاب

می‌گوید: وی دارای فهرستی بزرگ بود که همه نوشته‌ها و آثارش در علوم مختلف، از جمله صنعت، را دربرداشت. او فهرستی کوچکتر نیز برای کتابهای اختصاصی خود در صنعت فراهم ساخته بود.<sup>۴</sup>

همچنین فهرستی که ابوزکریا یحیی بن عدی بن حمید بن زکریا منطقی برای کتابهای ارسطو نوشته بود و ابن ندیم از آن در الفهرست سود جسته است،<sup>۵</sup> و نیز شیخ ابومحمد بن طیفور بغدادی (متوفی ۲۸۰ ق / ۸۹۳ م) مؤلف کتاب اخبار المؤلفین و المؤلفات است.<sup>۶</sup>

ابن ندیم فهرست کتابهای ابوبکر محمد بن زکریای رازی را نیز دیده است؛ و از آن فهرست، اسامی کتابهای رازی را نقل و در کتاب خویش ثبت نموده است.<sup>۷</sup> و ابوریحان بیرونی، به استناد منقولات ابن ندیم، فهرستی برای کتابهای زکریای رازی تألیف کرد، که نسخه‌ای از آن در کتابخانه لیدن، به شماره ۱۰۶۶، موجود است؛ و بول کرواس آن را در سال ۱۹۳۶ م منتشر ساخته است.

یاقوت حموی، در مجموعه کتب وقفی جامع الاکبر مرو، فهرستی از کتابهای ابوریحان بیرونی را دیده و از آن نام برده است.<sup>۸</sup> برخی از فهرستی که پس از ابن ندیم تهیه و تألیف شده‌اند، فهرست کتابخانه‌ای خاص و یا فهرست کتابها و تألیفات شخصی معین نیستند، اما حاوی اطلاعاتی ارزشمند و گرانبها در آثار و تألیفات دانشمندان جهان اسلام و میراث عظیم علمی و فرهنگی اسلامی است؛ از جمله:

۱. فهرس النجاشی، که به رجال نجاشی نیز شهرت دارد؛ و مؤلف آن ابوالعباس احمد بن علی نجاشی کوفی اسدی (متوفی ۴۵۰ ق / ۱۰۵۸ م) است.

۲. الفهرست، ابوجعفر محمد بن حسن طوسی، معروف به شیخ طوسی (متوفی ۴۶۰ ق / ۱۰۶۸ م).

این دو فهرست، به تألیفات عالمان شیعی اختصاص دارد.

۳. الفهرست شیخ منتجب الدین علی بن بابویه رازی، از اعلام قرن ششم هجری، که درباره تألیفات و آثار علمای شیعی است. یک چاپ تحقیقی از این کتاب به همت مرحوم استاد محدث ارموی از سوی انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی منتشر گردیده است.

که در آن اسامی کتابها را ثبت و ضبط می‌کنند.<sup>۱</sup> متخصصان این فن، فهرست را همان «ببلیوگرافی» می‌دانند، که نخستین بار شاعری یونانی به نام کالیما کوس در قرن سوم پیش از میلاد، آن را برای مهمترین کتابخانه‌های عصر قدیم، یعنی کتابخانه اسکندریه، وضع کرد. گویا این نخستین فهرستی است که در تاریخ نوشته شده است. کالیما کوس در این فهرست، علوم را به صورتی دقیق طبقه بندی کرد؛ و کتابهای کتابخانه اسکندریه را بر مبنای این طبقه بندی، در این فهرست ثبت نمود؛ و نام آن را «پیناکس» نهاد، که دربردارنده فهرست همه تألیفات مهم در فرهنگ یونان و اسامی مؤلفان آنهاست. این فهرست در ۱۲۰ برگ بوده است؛ و مؤلف آن محتویات کتابخانه را به هشت دسته تقسیم کرده بود: مؤلفان، تئاتر نویسندگان، شاعران، دینداران، فلاسفه، مورخان، خطیبان و سخنوران، استادان علم خطابه و مؤلفان متفرقه.<sup>۲</sup>

پس از وی، خطیب معروف یونانی، جالینوس، فهرستی برای کتابهای خویش تهیه کرد. او در قرن دوم میلادی می‌زیسته و این فهرست به نام «فینکس» شهرت دارد؛ و از نخستین فهرستهایی است که برای تألیفات یک مؤلف تهیه شده است. حنین بن اسحاق (نخستین کسی که به ترجمه کتابهای جالینوس به عربی پرداخت)، به این فهرست اشاره کرده و گفته است: جالینوس کتابی تألیف کرد که در آن اسامی کتابهایش را ثبت و توصیف کرده بود و آن را «فینکس» نامید، که به معنای «فهرست» است. سپس اضافه کرده که این کتاب حاوی دو مقاله است؛ و پیش از من ایوب رهاوی، معروف به ابرش، آن را به زبان سریانی ترجمه کرده بود، و من آن را برای ابوجعفر محمد بن موسی، از زبان سریانی به عربی ترجمه کردم.<sup>۳</sup> نسخه‌ای از این ترجمه را به شماره ۵۲۲۳ طب، دکتر فؤاد سزگین در کتابخانه آستان قدس رضوی، یافته است.

### فهرست تکاری مخطوطات اسلامی در قرون گذشته

اگر کتاب الفهرست ابن ندیم را، که آغاز تألیف آن ۳۷۷ ق / ۹۸۷ م است، نخستین کتاب ببلیوگرافی عربی بدانیم که به دست ما رسیده است، باید اذعان کنیم که پیش از این فهرست، انواع فهرس به دست دانشمندان مسلمان، در شهرهایی همچون مدینه، بغداد، ری، قم و دیگر جاها نوشته شده بود که خود ابن ندیم در جای جای الفهرست به آنها اشاره کرده، و حتی از آنها بهره برده است؛ مانند «فهرست کتابها و تألیفات جابر بن حیان بن عبدالله کوفی»، شاگرد برجسته امام جعفر صادق علیه السلام، که ابن ندیم درباره این فهرست

۱. قاموس المحيط، ص ۷۷.

۲. دراسات فی علم المخطوطات و البحث الببلیوجرافی، ص ۹۴.

۳. عیون الانباء، ۱/ ۱۳۵-۱۳۶.

۴. الفهرست، ص ۴۲۱.

۵. همان، ص ۳۲۲.

۶. مقدمه کشف الاستار، ص ۹.

۷. الفهرست، ص ۳۵۷.

۸. معجم الادباء، ۱۷/ ۱۸۵.

۴. فهرست، محمد بن خَیّر متونی اموی اشیلی (متوفی ۵۷۵ ق/۱۱۷۹م)، که به ذکر آثار و تألیفات شیوخ خویش پرداخته است.
۵. الابابة عما فی الخزانة، اثر دانشمند مشهور شیعی، رضی‌الدین علی بن طاووس حسنی داوودی حلی (متوفی ۶۶۴ ق/۱۲۶۶م).
۶. اخبار المصنفین و اسماء المصنفات، ابوالحسن علی بن انجب بغدادی (متوفی ۶۷۶ ق/۱۲۷۷م).
۷. مفتاح السعادة، طاش کبری زاده (متوفی ۱۵۶۱/۹۶۸م).
۸. الذریعة الی تصانیف الشیعة، آقابزرگ تهرانی (متوفی ۱۳۸۹ ق/۱۹۶۹م). البته همه اینها فهارس عمومی تألیفات و آثار مکتوب دانشمندان اسلامی است.
۹. کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، کاتب چلبی، متوفی (۱۰۶۷ ق/۱۶۵۷م).
۱۰. اسماء الکتب، عبداللطیف بن محمد بن مصطفی، مشهور به ریاضی زاده.
۱۱. التذکار الجامع للآثار، سید حسین عباسی نهبانی حلی (متوفی ۱۰۹۶ ق/۱۶۸۳م).
۱۲. المؤلفین و المؤلفات، شیخ کمال‌الدین ابوالفتح بن مصطفی صدیقی خلوتی (متوفی ۱۱۸۰ ق/۱۷۶۶م).
۱۳. ذیل کشف الظنون، شیخ محمد عزتی افندی، مشهور به «بوسنه‌زاده» (متوفی ۱۰۹۲ ق/۱۶۸۲م).
۱۴. فهرسة الکتب و الرسائل، شیخ اسماعیل بن عبدالرسول اجینی.
۱۵. ذیل کشف الظنون، معروف به «آثارنوه»، احمد طاهر افندی، مشهور به حنفی‌زاده (متوفی ۱۲۱۷ ق/۱۸۰۲م).
۱۶. ذیل کشف الظنون، که تا حرف جیم آمده و ناتمام مانده، از شیخ عارف حکمت (متوفی ۱۲۷۵ ق/۱۸۵۸م).
۱۷. فهرست کتب خطی کتابخانه آستان قدس رضوی، که در سال ۱۲۷۲ ق/۱۸۵۵ م تدوین گردیده است،<sup>۱</sup> از آخوند ملامحمد حسن و آخوند ملامحمد اسماعیل و آخوند ملاعبدالرزاق و حاج ملامحمد رضا، از فهرست‌نگاران کتب خطی آن کتابخانه، در نیمه دوم سده سیزده قمری / نوزده میلادی.
۱۸. فهرست مؤلفات مجلسی، امیر محمدحسین بن صالح خاتون آبادی (متوفی ۱۱۵۱ ق/۱۷۳۸م)، نسخه خطی کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، شماره ۲۵۱۳.
۱۹. فهرست مؤلفات مجلسی، محمد نصیر مجلسی، کتابت ۱۱۲۳ ق/۱۷۱۱م، نسخه خطی کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، شماره ۸۴۴۹.
۲۰. فهرست کتابخانه صاحب عبقات، میرحامد حسین هندی، نسخه خطی کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، شماره ۷۷۲۸.

۲۱. فهرست کتب خطی محمدباقر بن علی.

۲۲. فهرست کتب حاج محمدصادق شیرازی و بعضی کتابخانه‌های دیگر، نسخه خطی شماره ۱۲۱۱۹/۲ کتابخانه آیت‌الله مرعشی.
۲۳. فهرست کتابخانه حاج میرزا محمدآقائی (?)، که در شعبان سال ۱۳۱۲ق، نوشته شده است. نسخه خطی کتابخانه آیت‌الله مرعشی، شماره ۷۲۴۷.
۲۴. فهرست کتابهای تألیفی شیخ احمد احسانی، نسخه خطی شماره ۱۹۷۱، کتابخانه آیت‌الله مرعشی.
۲۵. فهرست تعدادی از نسخه‌های خطی نفیس کتابخانه‌های ترکیه، علامه سید عبدالعزیز طباطبائی، نسخه شماره ۱۱۵۴۰، کتابخانه آیت‌الله مرعشی.
۲۶. فهرست کتابخانه آیت‌الله محمد امین بن یحیی نجفی خوئی (متوفی ۱۳۶۶ ق/۱۹۴۷م). نسخه خطی شماره ۸۵۱۷، کتابخانه آیت‌الله مرعشی.
۲۷. فهرست کتابخانه فیض کاشانی (متوفی ۱۰۹۱ ق/۱۶۸۰م).
۲۸. کشف الاستار عن وجه الکتب و الاسفار، آیت‌الله سید احمد صفائی خوانساری<sup>۲</sup> (متوفی ۱۳۵۹ ق/۱۹۴۰م).
۲۹. ایضاح المکنون و هدیه العارفین، اسماعیل پاشا بغدادی بابائی (متوفی ۱۳۳۹ ق/۱۹۲۰م).
۳۰. کشف الحجب و الاستار عن وجه الکتب و الاسفار،<sup>۳</sup> سید اعجاز حسین هندی (متوفی ۱۲۸۶ ق/۱۸۶۹م).
۳۱. مرآة الکتب،<sup>۴</sup> آیت‌الله شهید، ثقة الاسلام تبریزی (شهید ۱۳۳۰ ق/۱۹۱۲م).
۳۲. کتابخانه ابن طاووس و شرح احوال او،<sup>۵</sup> اتان کلبرگ، ترجمه
- 
۱. این فهرست، که نسخه خطی آن در کتابخانه آیت‌الله مرعشی موجود است، در سال ۱۳۷۷ش، جزو مجموعه میراث اسلامی ایران، از سوی کتابخانه یاد شده چاپ و منتشر گردیده است.
۲. شش جلد از مجموعه دوازده جلدی این کتاب ارزشمند، با مقدمه آیت‌الله العظمی مرعشی به نام کشف الاستار عن حياة مؤلف کشف الاستار، در قم، بین سالهای ۱۴۰۹ تا ۱۴۱۵ ق، چاپ شده است.
۳. این کتاب در سال ۱۴۰۹ ق، به همت واحد انتشارات کتابخانه آیت‌الله مرعشی، در یک جلد، برای دومین بار به چاپ رسیده است.
۴. چهار جلد از مجموعه دوازده جلدی این کتاب نیز بر اساس نسخه اصل، به خط مؤلف، در هفت جلد، برای نخستین بار از سوی کتابخانه یاد شده، به تحقیق فاضل محترم، حجت الاسلام محمد علی حائری، در سالهای ۱۳۷۷ و ۱۳۷۸ش، چاپ و منتشر گردیده است.
۵. ترجمه این کتاب از انگلیسی به فارسی، به همت رسول جعفریان و سیدعلی قرانی در سال ۱۳۷۱ش، برای نخستین بار، از سوی واحد انتشارات کتابخانه آیت‌الله مرعشی چاپ و منتشر گردیده است.

## میراث شهاب

وسیله آنها با شیوه فهرست‌نگاری مسلمانان آشنایی پیدا می‌کنیم، دو فهرست به این شرح است:

۱. فهرست خزانه التربة الاشرافية دمشق، که فهرستی است برای کتابهای کتابخانه‌ای که بر تربت ملک اشرف بن موسی بن ملک عادل محمد بن ابوب (متوفی ۶۳۵ ق/ ۱۲۳۷ م) از پادشاهان ایوبی شام ساخته بود. دکتر رمضان ششن این فهرست را در کتابخانه «الفتاح»، در استانبول، به شماره ۵۴۳۳، یافته است. البته برخی اوراق پایانی آن از میان رفته است. این فهرست حاوی ۲۱۱۷ جلد کتاب است که بر اساس عناوین کتابها، به ترتیب حروف تهجی، تنظیم شده و تا حرف میم است. در این فهرست، مؤلف تعداد نسخه‌های موجود در کتابخانه را آورده است، و اگر کتابی دارای نسخه‌های متعدد بوده، نخست نام کامل کتاب را نوشته، و نسخه‌های مکرر را با عنوان «نسخه ثانیه» و «نسخه ثالثة» و... آورده است.

شیوه وی در معرفی نسخه‌ها، این گونه است که نخست کتابها و نسخه‌های بزرگ، آن‌گاه نسخه‌های کوچک را معرفی کرده است؛ و در معرفی نسخه‌ها، مشخصات کتاب را آورده است؛ مثلاً در معرفی قانون ابن سینا نوشته است: «قانون ابن سینا، در شانزده جلد متداخل، اما قطع و خطوط مختلف».

اگر نسخه‌ای از آغاز یا انجام ناقص بوده، نوشته است: «مخروم الاول یا مخروم فی آخره». سپس در فصلی خاص به معرفی مجامع پرداخته، و سرانجام با معرفی نسخه‌های مخروم (ناقص) آن را به پایان برده است.

در معرفی رسایل یک مجموعه و توصیف آنها به یک شیوه واحد، چنان که در کتابهای منفرد به کار برده، عمل نکرده است؛ مثلاً در معرفی رساله‌های یک مجموعه نوشته است: «مجموع اوله شعر لبعض شعراء صلاح الدین». سپس به شمارش دیگر رسایل پرداخته است؛ در حالی که در توصیف مجموعه دیگر، ابتدا اسم کتاب یا ناسخ را نوشته، سپس دیگر رسایل را معرفی کرده است.

صلاح الدین مُنجد، معتقد است که برخی از اصول و شیوه‌های فهرست‌نگاری معاصر، در این فهرست یافت می‌شود؛

۱. خزائن الکتب القديمة فی العراق، ص ۱۱۱-۱۱۲؛ درآمدی بر دائرة المعارف کتابخانه‌های جهان، ص ۶۸-۶۹.
۲. جمهرة انساب العرب، ص ۱۰۰.
۳. معجم الادباء، ۲۳۹/۷ و ۲۵۹/۱۶.
۴. انباه الرواة، ۶۱/۱-۶۶.
۵. المنتظم، ۱۷۲/۷.

سید علی قرانی و رسول جعفریان. اگر بخواهیم همه فهرست‌نگاران ایران را برشماریم، بیش از آن است که در این مقال بگنجد. امیدوارم در فرصتی مناسب، این مجموعه را کامل نمایم و به صورت کتابی مستقل منتشر سازم.

یادآوری می‌شود که در سده‌های هشتم تا دهم قمری/ چهاردهم تا شانزدهم میلادی، روند فهرست‌نگاری کتابها، اندکی با رکود مواجه شد، اما از سده یازدهم قمری/ هفدهم میلادی به بعد، رونق خود را باز یافت.

شکی نیست که همه کتابخانه‌های اسلامی، از همان صدر اسلام، چه کتابخانه‌هایی که در مساجد و مدارس تأسیس شده بود، و چه کتابخانه‌هایی که به دست خلفا، حکام، سلاطین و دیگر شخصیت‌های سیاسی و علمی شکل گرفته بود، همگی و یا بسیاری از آنها دارای فهرسی توصیفی و تفصیلی برای معرفی آثار و محتویات خویش بوده‌اند، اما متأسفانه به دست ما نرسیده‌اند.

در برخی منابع اشاره کرده‌اند که کتابخانه بیت الحکمة بغداد، دارای فهرستی بوده که مجموعه مخطوطات و محتویات کتابخانه در آن ثبت می‌شده است؛ و مأمون این فهرست را بررسی می‌کرده، و گاهی به دلیل عدم ثبت کتابی در آن، به مسئولین کتابخانه اعتراض می‌نموده است.<sup>۱</sup> بدون تردید، خزانه الحکمة در قاهره، اندلس و قیروان، و دارالعلم بغداد، بصره، اصفهان، ری و سایر بلاد اسلامی نیز دارای فهراس مشابهی بوده‌اند، ولی ما اکنون از چگونگی تدوین اصول و شیوه‌های معرفی کتب در آنها اطلاعی نداریم، جز از آنچه در منابع تاریخی و دیگر مراجع و مصادر درباره آنها نوشته‌اند؛ مانند آنچه ابن حزم اندلسی درباره فهرست کتابخانه الحکمة مستنصر اموی، در اندلس، نوشته و گفته است: فهرسی که در آنها اسامی کتابها را ثبت می‌کردند، ۴۴ جزء بوده است؛ و هر فهرست شامل پنجاه برگ که در آن فقط اسامی دواوین ثبت شده بود.<sup>۲</sup>

یا قوت به نقل از ابوالحسن بیهقی می‌گوید: فهرست کتابخانه‌ای که صاحب بن عباد در ری تأسیس و وقف کرده بود، به ده جلد می‌رسید.<sup>۳</sup>

قطعی نوشته است: ابوالعلاء معری، فهرستی به نام الایک و الغصون، در ۶۳ جلد، برای مجموعه وقفی خواجه نظام الملک حسن بن اسحاق طوسی، در بغداد، فراهم ساخته بود.<sup>۴</sup> چنان که ابونصر شاپور بن اردشیر نیز فهرستی برای کتابهای دارالعلم خویش در کرخ بغداد فراهم کرده بود.<sup>۵</sup> اکنون از این فهراس، جز نامشان، چیزی باقی نمانده است.

اما فهرسی که از کتابخانه‌های کهن اسلامی باقی مانده، و به





## میراث شهاب

۷. اثبات عصر نوشته شدن کتاب از روی قراین و شواهد ظاهری که بر روی کتاب ثبت شده بود؛ مانند سماعات، قرائات، مطالعات، تملکات و وقفنامه کتاب.
۸. بیان اوراق کتاب، عدد سطرهای هر برگ، اندازه کتاب از نظر طول و عرض.
۹. دیگر توضیحات و توصیفهایی که به شناخت هر چه بیشتر نسخه و محتویات و مؤلف آن کمک کند.
۱۰. بیان شرحها، اختصارات و ترجمه‌های کتاب به زبانهای دیگر.<sup>۵</sup>
- بعدها فهرست‌نگاران این موارد را کاملتر کردند. برخی از آنها، و ارکان لازم را در فهرست کردن مخطوطات به بیش از سی مورد رساندند،<sup>۶</sup> که در این مقال، مجال توضیح و تفصیل بیشتر در این باره نیست.<sup>۷</sup>

### نخستین فهرست‌نگاران نسخه‌های خطی در ایران

ایرانیان از همان آغاز گرایش به اسلام، با پشتکار حیرت‌انگیز و شگفت‌آوری به ترجمه و تألیف کتابهای گوناگون پرداختند؛ و حجم گسترده و انبوهی از آثار مکتوب اسلامی را پدید آوردند. شاید بتوان گفت ایرانیان در میان اقوامی که به اسلام گرویدند، نخستین قومی بودند که علوم مختلف اسلامی را فرا گرفتند و به تولید کتاب و آثار اسلامی پرداختند. حجم گسترده کتابهای موجود اسلامی گواه این مدعاست.

ایرانیان، که به‌خوبی با زبان عربی آشنایی داشتند، بیشتر آثار

آلورات، لیوی دیلاوید و گروهی دیگر از مستشرقان به این کار همت گماشتند.<sup>۱</sup>

فهرست‌نویسی در شرق، نخستین بار از مصر آغاز گردید؛ و این درست پس از تأسیس کتابخانه خدیویه، در سال ۱۸۷۰ م، در قاهره و گردآوری مخطوطات متفرقه مدارس، مساجد و زوایا، در این کتابخانه بود، ولی فهراس اولیه‌ای که برای کتابخانه خدیویه نوشته شد و منتشر گردید، تنها فهرست مخطوطات نبود، بلکه آمیزه‌ای از فهرست مخطوطات و مطبوعات موجود در این کتابخانه بود.<sup>۲</sup>

در استانبول، از عهد سلطان عبدالحمید دوم عثمانی، دفاتری با عنوان فهرست مخطوطات تهیه گردید، که فقط به ذکر عناوین مخطوطات و اسامی مؤلفان و شماره مخطوطات بسنده شد که از باب اتفاق پر از اشتباه بود؛ زیرا فراهم آوردن‌گان دفاتر ثبت کتابها و نسخه‌ها، به زبان عربی آشنایی نداشتند. از این گذشته، با اصول فهرست‌نگاری نیز بیگانه بودند.<sup>۳</sup>

فهرست‌نویسی حقیقی و تفصیلی برای مخطوطات عربی در شرق، با تألیفات دکتر یوسف العث آغاز شد، که نسخه‌های تاریخی و ملحقات آن را - برای مخطوطات عربی کتابخانه ظاهره، در دمشق، در سال ۱۹۴۷ م - فهرست‌نویسی کرد. پس از وی، فؤاد سید از شیوه وی در فهرست‌نگاری مخطوطات عربی پیروی کرد و فهراس تفصیلی و توصیفی مخطوطات دارالکتب مصر و مصورات معهد المخطوطات العربیه را بین سالهای ۱۹۵۴-۱۹۶۴ م تهیه نمود.<sup>۴</sup>

مطالبی که فؤاد سید در فهرست مخطوطات ثبت می‌کرد، عبارت بود از:

۱. عنوان و نام کامل نسخه فهرست شده، و اشاره به عناوین دیگر نسخه که احیاناً به آنها شهرت داشت.
۲. نام مؤلف یا مؤلفان، به صورت کامل، همراه با لقب، کنیه، شهرت، تاریخ تولد، وفات، و در صورتی که سال تولد یا مرگ مؤلف مشخص نبود، بیان عصری که در آن می‌زیسته و یا کتاب خود را در آن عصر نگاشته است.
۳. ذکر آغاز کتاب و بیان عباراتی که مقاصد و اهداف مؤلف را در تألیف کتاب به دست دهد، و بیان عناوین و فصلهای کتاب که از دیباچه مؤلف و از مقدمه وی استفاده شده بود.
۴. ذکر انجام کتاب.
۵. ذکر اجزا و مجلدات.
۶. اوصاف ظاهری و مادی کتاب؛ مانند تعیین نوع خط، تاریخ استنساخ، اسم ناسخ.

۱. الکتاب العربی المخطوط و علم المخطوطات، ۵۳۰/۲-۵۳۱.

۲. دارالکتب المصریه، تاریخها و تطورها، ص ۶۳-۸۱.

۳. الکتاب العربی المخطوط و علم المخطوطات، ۵۳۳/۲.

۴. همان.

۵. الکتاب العربی المخطوط و علم المخطوط، ۵۳۲/۲-۵۳۳، ۵۳۸-۵۴۰.

۶. همان.

۷. یکی دیگر از افرادی که فهرست‌نگاری نسخه‌های خطی فارسی در کتابخانه ملی قاهره را بیش از پنجاه سال قبل به انجام رسانیده و بین فهرست‌نگاران از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، استاد نصرالله مبشرالطرازی است، که هم اکنون در قید حیات است و حدود نود سال از عمر وی می‌گذرد و هنوز دست از کارهای علمی خود نرفته است. این جانب در سفر دوم به ازبکستان - که برای شرکت در کنگره امام بخاری، به سمرقند رفته بودم - ایشان را، که جزو مدعوین بودند، ملاقات نمودم؛ و چون سی سال قبل او را در قاهره و در کتابخانه دارالکتب دیده بودم، مرا شناخت و آن چند روز را با او به سر بردم. وی سهم بزرگی در شناسایی مخطوطات فارسی در مصر دارد.

خویش را به زبان عربی نوشته‌اند. هم‌اکنون بیشترین نسخه‌های خطی و کتابهای چاپی عربی اسلامی در جهان، از آن ایرانیان است؛ و اسامی دانشمندان و رجال علمی ایران در تمامی زمینه‌ها، زینت‌بخش کتابهای تراجم و رجال است.

همچنین شمار نسخه‌های خطی و کتابهای چاپی فارسی اسلامی در ایران و جهان فراوان است و حجم فراوانی را در میان مخطوطات اسلامی به خود اختصاص داده؛ به گونه‌ای که مقام دوم را کسب نموده؛ و می‌توان گفت زبان دوم اسلام است. نگاهی گذرا در فهارس نسخه‌های خطی اسلامی در جهان، این مدعا را به خوبی روشن می‌سازد.

بنابراین، بسیار طبیعی می‌نماید که ایران، مهد تمدن و فرهنگ اسلامی شود و حجم گسترده‌ای از مخطوطات اسلامی را در خویش نگاه دارد؛ و در ردیف نخستین کشورهای اسلامی دارای نسخه‌های خطی باشد. نیز از همان آغاز برای این مجموعه‌ها اقدام به فهرست‌نگاری کند. اما با کمال تأسف تعداد اندکی از این گونه فهارس اکنون در دسترس است، که آنها هم چاپ نشده‌اند و تاکنون به صورت دستنویس در دل کتابخانه‌های ایران باقی مانده‌اند. بی‌آن که بخواهیم به سیر فهرست‌نگاری در ایران پردازیم، فقط اشاراتی می‌کنیم به چند فهرست که به سبک و سیاق فهارس جدید و امروزی تهیه شده‌اند:

۱. میرزا سعید خان مؤتمن الملک، شاید از نخستین کسانی است که فهرست‌نگاری نسخه‌های خطی در ایران را انجام داده، و نسخه‌های خطی کتابخانه آستان قدس رضوی را فهرست نموده است. عنوان فهرست وی، فهرست جمیع نسخه‌های موجود در کتابخانه مبارکه حضرت امام ابوالحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام است، که در پایان جلد دوم کتاب مطلع الشمس، در ۱۳۰۲ ق/ ۱۸۸۴ م (ص ۴۶۹-۵۰۰) چاپ شده است.

۲. عبدالعلی اوکثانی - با همکاری حاج عمادالمحققین فهرستی، میرزا فضل‌الله بدایع نگار و حاج شیخ محمد خالصی - فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آستان قدس رضوی را تهیه کرد، او خود می‌گوید: فهرستی که من تهیه کردم، از فهاری که نامبرندگان تهیه نمودند، بهتر بود. نام فهرست وی، فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی است، که مجلد نخست آن در سال ۱۳۴۵ ق/ ۱۳۰۵ ش/ ۱۹۲۶ م چاپ شده است.

۳. یوسف اعتصامی، ملقب به اعتصام الملک، پدر اختر چرخ ادب، پروین اعتصامی، نیز فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی را در سال ۱۳۰۵ ش منتشر ساخت.

۴. عبدالعزیز جواهرکلام فهرست کتابخانه عمومی معارف را در سال ۱۳۱۳ ش انتشار داد.

۵. ابن یوسف حدائق شیرازی در سال ۱۳۱۵ ش جلد اول فهرست مدرسه سپهسالار را چاپ کرد.

بنابراین، در فهرست‌نگاری به سبک جدید نیز ایران، پس از مصر، دومین کشور اسلامی است که به این مهم نایل آمده است.

### نسخه‌های خطی اسلامی در روسیه و جمهوریهای تازه استقلال یافته

کتابهای خطی مشرق زمین، به ویژه اسلامی، در اتحاد جماهیر شوروی سابق فراوان است. «بار تولد» عضو فرهنگستان اتحاد جماهیر شوروی، در سال ۱۹۲۵ م، در این باره اظهار داشته است: «شماره کتابهای خطی مشرق زمین که در لنینگراد (سن پترزبورگ) جمع‌آوری شده، به اندازه‌ای زیاد است که می‌توان گفت این شهر از این حیث در میان تمام شهرهای اروپا، نه فقط در ردیف مقدم قرار گرفته، بلکه مقام اول را حایز است.»<sup>۱</sup>

میکائیل دیاکنف نوشته است: «در مدت بیست سال اخیر که از آن تاریخ (اظهارات بار تولد) گذشته، گنجینه بسیار نفیسی نیز در شهر تاشکند تشکیل شده که دهها هزار کتاب (دو ثلث تمام آثار خطی) فارسی، عربی و ترکی در آن جمع‌آوری شده است... بدیهی است کتابهای خطی زیادی مربوط به مشرق زمین، در شهرهای دیگر اتحاد شوروی هم هست؛ مثلاً در شهر مسکو، کتابخانه لنین<sup>۲</sup> و موزه آثار تمدن مشرق، و در سایر شهرها؛ مانند تفلیس، بادکوبه، ایروان، استالین آباد، سمرقند، بخارا، عشق آباد، غازان و...»<sup>۳</sup>

در این جا شایسته است به علل و عواملی که موجب گردآمدن نسخه‌های خطی اسلامی و شرقی در جمهوریهای تازه استقلال یافته شده، اشارتی کنیم.

پس از انتشار آیین اسلام در آسیای میانه و ماورای قفقاز، زبان عربی در سراسر این مناطق، پیوسته زبان دین، دانش و تمدن بود؛ مانند زبان لاتین در اروپا. این وضع، که تا چندی پس از قرن پانزدهم

۱. گنجینه‌های آثار خطی ایرانی (مجله پیام نو)، میکائیل دیاکنف، اسفند ۱۳۲۵، سال سوم، شماره پنجم، ص ۶۱.

۲. این جانب در نخستین سفری که به مسکو، در سال ۱۹۹۱ م، داشتم، مسئول آن کتابخانه بزرگ اظهار کرد: در حال حاضر، این کتابخانه، بعد از کتابخانه کنگره آمریکا، دومین کتابخانه جهان از لحاظ تعداد کتب چاپی است؛ و همه نسخه‌های خطی این کتابخانه، به لنینگراد (سن پترزبورگ) انتقال یافته است.

۳. گنجینه‌های آثار خطی ایرانی (مجله پیام نو)، میکائیل دیاکنف، اسفند ۱۳۲۵، سال سوم، شماره پنجم، ص ۶۱.





پیشرفت مطالعات ایران‌شناسی در اتحاد جماهیر شوروی سابق، بیش از هر چیز مرهون کوشش‌های بی‌دریغ دانشمندان ایران‌شناس برجسته قرن نوزدهم روسیه است، که بنیانگذاران اصلی این مکتب بودند؛ از جمله: کارل زالمان (متوفی ۱۹۱۶م)، که در طی چهل سال در این زمینه ۱۴۰ اثر آفرید؛ گریگوریف ۱۲۰۰ اثر درباره ایران منتشر کرد؛ بارتولد یکی از برجسته‌ترین خاورشناسان و به ویژه ایران‌شناسان بزرگ قرن گذشته و اوایل قرن حاضر روسیه بود که هفتصد کتاب و مقاله در رشته مطالعات خاورشناسی منتشر نمود؛ وروژن (متوفی ۱۹۴۸م) که مدت‌ها ریاست دانشکده زبانهای شرقی دانشگاه سن پترزبورگ را به عهده داشت؛ و ماسکویچ؛ برتلس (متوفی ۱۹۵۷م)؛ روزنبرگ (متوفی ۱۹۳۴م).<sup>۱</sup>

دانشمندان بزرگی که در قرن هیجدهم تا بیستم از این سرزمینها برخاستند، با علاقه فراوان به گسترش مطالعات ایران‌شناسی، اسلام‌شناسی و فهرست‌نگاری پرداختند؛ و خدمات شایسته‌ای به ایران و اسلام کردند؛ و در تحکیم روابط میان جهان اسلام و ایران با اروپای شرقی و سرزمینهای قفقاز و آسیای میانه بسیار کوشیدند. در این جا وظیفه خود می‌دانم که با یادی کوتاه از آنها در این مقال، سپاس خود را از کوشش‌های بی‌دریغ آنان، به ویژه در زمینه کتابشناسی و فهرست‌نگاری، ابراز نمایم. از این رو، بر اساس تقدم تاریخی، آنها را به سه طبقه تقسیم کرده‌ام، و از هر طبقه، عده‌ای از مشاهیر آنان را نام می‌برم:

طبقه یکم: ب.ل. روسه یا روسو؛ خ. فرهن شارموآ؛ ک.م. فرهن؛ پ. یو. پتروف؛ برنهارد دورن؛ ای. ف. گوتولد؛ و. وروژن؛ آ. ویکتوروف؛ د. گونزبورگ؛ آ. آ. بابروفنیکوف؛ ن. ف. کاتانانوف. این گروه از دانشمندان، جزو نخستین کسانی هستند که مطالعات اسلام‌شناسی و ایران‌شناسی را پایه‌گذاری نمودند و راه را برای مطالعات و تحقیقات گسترده طبقات بعدی هموار ساختند.

طبقه دوم: تا کائیشویلی؛ م. هارتمن؛ بارتولد؛ ایوانف؛<sup>۲</sup> کراچکوفسکی؛ سیمینوف؛ تریاف؛ روماسکویچ؛ بلیایف؛ عبدالله عادلوف؛ کوفالفسکی؛ مولکانف؛ تیبیا ابوبولادزه؛ آلن مترولی؛ بادامدزه؛ شاراشیدزه؛ لیلیا ابولادزه، لیلی کوتلادزه و کاسپادزه. این طبقه نیز در ایجاد مؤسسات شرق‌شناسی و مطالعات و تحقیقات ایران‌شناسی و فهرست‌نگاری کارهایی

جمله: روسی، گرجی، ارمنی، آذربایجانی، ازبکی و تاجیکی، ترجمه و چاپ شده، و حداکثر شمارگان این آثار، متعلق به آثار خیام نیشابوری است که تا ۱۹۶۸ م، بیش از یک میلیون نسخه بود. انتشار این متون، در سلسله «متون ادبی ملل شرق» انجام می‌گرفته است. ارتباط میان ایران و سرزمینهای آسیای میانه، چنان ریشه‌دار است که می‌توان آن را از کهنترین موارد نوع خود در تاریخ جهان دانست؛ و در دوران اسلامی، فصل تازه‌ای در رابطه فرهنگی و هنری ایران با این سرزمینها آغاز شد، که باید آن را جزء جدایی‌ناپذیر تاریخ، فرهنگ و ادب ایران دانست. در قسمتی از این دوران، نهضت ادبی و فرهنگی ایران در آسیای میانه تمرکز یافته بود. این همان دورانی است که ادب فارسی پدید آمد.

از اوایل قرن نوزدهم میلادی، فعالیت‌های ایران‌شناسی و اسلام‌شناسی، به صورت علمی و منظم و گسترده‌تر، در روسیه آغاز شد. البته پایه اصلی این گونه مطالعات و فعالیتها، از مدت‌ها پیش از آن گذاشته شده بود. در سال ۱۷۱۴ م، با تأسیس موزه دولتی سن پترزبورگ و فرهنگستان علوم روسیه و ادغام این موزه در سال ۱۷۲۴ م در آکادمی علوم روسیه - که در این تاریخ تأسیس شد و وظیفه اصلی آن گردآوری کلکسیونهای آثار هنری و نسخه‌های خطی شرقی بود - این مطالعات رونق بیشتری یافت و شکلی قانونمند به خود گرفت. در سال ۱۸۱۸ م موزه آسیایی آکادمی علوم روسیه به وجود آمد؛ و در سال ۱۹۳۰ م از ترکیب این موزه و دیگر سازمانهای شرق‌شناسی، انستیتوی خاورشناسی آکادمی علوم اتحاد شوروی پدید آمد، که فعالیت‌های شرق‌شناسی را گسترده‌تر ساخت.

در سال ۱۸۱۱ م در دانشگاه مسکو، نخستین استاد کرسی زبانهای شرقی، الکسی بولدیرف، که از خاورشناسان بزرگ قرن نوزدهم میلادی بود، تدریس زبانهای عربی، عبری و فارسی آغاز شد. چند سال بعد، در سال ۱۸۱۹ م، در دانشگاه سن پترزبورگ، از بدو تأسیس این دانشگاه، یکی از مواد درسی آن تدریس زبان فارسی بود، که از سال ۱۸۵۵ م با انتقال مرکز خاورشناسی دانشگاه قازان و استادان آن به دانشگاه سن پترزبورگ، برنامه دروس شرقی این دانشگاه توسعه یافت؛ و زبانهای سانسکریت، چینی، ارمنی، گرجی، ترکی قفقازی، جغتایی، مغولی و منچوری نیز به آن افزوده گردید. همچنین مطالعات درباره تاریخ و ادبیات ایران، عثمانی، اعراب، یهودیان و مغولان نیز آغاز گردید. کسانی مانند دورن، گریگوریف، کوسوویچ، زالمان و والین ژوکوفسکی، از بزرگترین خاورشناسان این دوره به شمار می‌روند، که مطالعات زبان‌شناسی و ایران‌شناسی و تاریخ ایران را شکل دادند و توسعه بخشیدند.

۱. جهان ایران‌شناسی، ۱/۷۷۳-۸۰۱، نقل به اختصار.

۲. بنده بیش از ۳۵ سال قبل، ایوانف را بارها در تهران دیده بودم و با او مذاکره نمودم. وی، با آن که کهنسال بود، به متون اسلامی علاقه‌ای وافر داشت؛ و بیشترین مطالعاتش بر روی آثار اسماعیلیه متمرکز بود.

ارزنده و بزرگ انجام داده‌اند.

طبقه سوم: این طبقه را حدوداً از سال ۱۹۵۰م به بعد فرض کرده‌ایم. البته بسیاری از آنها پیش از این تاریخ نیز فعالیت داشته‌اند؛ چنان‌که از طبقه دوم نیز ممکن است در این دوره فعالیت داشته باشند. مشاهیر این طبقه - که نسل جدید دانشمندان روسیه، قفقاز، آسیای میانه و جمهوریهای شوروی سابق را شامل می‌شود، و هم اکنون از تحقیقات آنها و مطالعات گسترده‌شان در اسلام‌شناسی و ایران‌شناسی بهره می‌بریم - عبارت‌اند از:

خاچیکیان، تیخونوف؛ میکلوخوما کلای؛ برولی؛ پاپازیان؛ بولگانف؛ رستم علی‌یف؛ محمد سلطان‌اف؛ مصطفی موگمن؛ خالدوف؛ عبدالغنی میرزایف؛ بولدیرف؛ میخائیل‌اف؛ بایفسکی؛ موگینوف؛ آبکاریان؛ دیمیتریف؛ رزنفلد؛ برگل (برینگل)؛ قوام‌الدین منیراف؛ نصیراف؛ عبدالله خان یونس‌اف؛ ژوکوفسکی؛ مورایوف؛ پوتاتف؛ سعیدوف؛ براگینسکی؛ عبادوف؛ امین‌اف؛ قیوم‌اف؛ نیازوف؛ اسماعیل‌اف؛ پولیا کف؛ نزاراف؛ تومانوویچ؛ قهرمان‌اف؛ کارل زلمان؛ سافشکو؛ خالیموف؛ کازاکف؛ آلامیف؛ برژنسکی؛ یرما کف؛ عثمانوف؛ باباجان غفوراف؛ برتلس؛ گوزالیان؛ عبدالقادر مرادف؛ عبدالله ناصروف؛ عصمت‌الله عبدالله یوف؛ عبدالملک عبدالصمدوف؛ عزیزلذینزاده؛ صباحت عظیم جانوف؛ رعنا جلیلاوا؛ آیداویلدانووا؛ دیمتری ورونووسکی؛ شاه رسول زنونوف؛ طلعت نعمت‌اف؛ ملینا پولیا کوا؛ زنیل رضایوف؛ عصام‌الدین اورن بایوف؛ عثمان همراهف؛ حمیدالله حکت‌الله یوف؛ دلارام یوسویوا؛ تامارادوبروسکایا؛ مظفر خیرالله‌اف؛ کازاکوف و گروه دیگری که در خلال بررسی فهارس نسخه‌های خطی کتابخانه‌های روسیه و آسیای میانه و قفقاز از آنها یاد خواهیم کرد.

چون تاریخ تولد و وفات بیشتر این نویسندگان و دانشمندان و یا این‌که کدام یک از آنان هم اکنون زنده‌اند، در اختیار نداشتیم، بر اساس محدوده زمانی که در آن می‌زیسته‌اند و آثارشان را در این محدوده‌ها منتشر کرده‌اند، آنها را به این سه طبقه تقسیم نمودیم. بدیهی است که شمار این دانشمندان، بسیار بیش از این است و لازم است کتابی در زمینه تراجم این دانشمندان و محققان نوشته شود؛ تا بتوان با بهترین شیوه از آنان قدردانی به عمل آورد.

گفتنی است که خاورشناسان اتحاد جماهیر شوروی سابق، درباره زبان و ادبیات فارسی و نیز فرهنگ و تمدن ایران، بیش از دیگر خاورشناسان از خود آثار ارزنده‌ای را به یادگار گذاشته‌اند؛ به

ویژه درباره شاعران برجسته ایران؛ از جمله: فردوسی، که شاهنامه وی به زبانهای روسی و ترکی منتشر شده؛ و نیز خیام، عطار، باباطاهر. همچنین ابن سینا، فارابی و بیرونی.

یادآور می‌شوم که پاره‌ای از این شرق‌شناسان بر روی متون عربی شیعی نیز کار کرده‌اند؛ از جمله: شرایع الاسلام محقق حلی را از عربی به روسی ترجمه کرده و نسخه چاپی آن - که در سالهای ۱۸۶۲ و ۱۸۶۷م در لنینگراد در دو جلد چاپ شده، و در کتابخانه آیت‌الله مرعشی موجود است - به مقدمه م. الف - کاظم بیک نگاشته است.

### فهرست نگاری در اتحاد جماهیر شوروی سابق

گنجینه‌های شرق‌شناسی و نسخه‌های فارسی، عربی و ترکی، در کتابخانه‌های روسیه و قفقاز و جمهوریهای تازه استقلال یافته، از مهمترین مجموعه‌های خطی اسلامی و شرق‌شناسی در جهان است، و بیش از دویست هزار جلد است، که در کتابخانه‌ها، مراکز، مؤسسات خاورشناسی و شرق‌شناسی و دانشگاهها موجود است. در این جا یاد فهرست‌نگاران ایرانی و عربی را نیز گرامی می‌داریم: حسین حسین علی محفوظ؛ صلاح‌الدین مُنجد؛ عبدالحمید عَلَوَجی؛ خالد الرّیان؛ نصرالله مُبشر الطّرازی؛ محمود فهمی حجازی؛ فواد سید؛ عبدالرحمان فرفور و محمد مطیع حافظ از کشورهای عربی؛ و استاد بزرگوار محمد تقی دانش‌پژوه از ایران که به راستی در این راه خدمات شایانی به گنجینه‌های خطی این دیار کرده است؛ و استاد ایرج افشار.

### کاستیهای فهرست‌نگاری در جمهوریهای تازه استقلال یافته

در یکی از سفرهایی که سه سال قبل به ازبکستان داشتم، از انستیتیوی شرق‌شناسی ابوریحان بیرونی، وابسته به آکادمی علوم جمهوری ازبکستان، دیدار کردم؛ و با هیئت علمی آن جا، از جمله دکتر مظفر خیرالله‌اف رئیس مرکز، و پرفسور عصام‌الدین اورن بایف، ملاقات کردم. وقتی صحبت فهرست‌نگاری مخطوطات به میان آمد، من به ایشان مژده دادم که فهارس نسخه‌های خطی کتابخانه‌های ازبکستان و دیگر جمهوریهای آسیای میانه در ایران ترجمه می‌شود و کتابخانه آیت‌الله مرعشی آنها را منتشر می‌سازد. آقای اورن بایف ضمن استقبال از این موضوع، با کمال صراحت بیان داشت که ای کاش پیش از چاپ این ترجمه‌ها، با ما مشورت می‌شد، زیرا در فهارس که در ازبکستان تهیه شده، خصوصاً فهرست یازده جلدی این مرکز،



با همه این کاستیها، نباید ارزش و اعتبار و اهمیت کار سترگی که فهرست‌نگاران روس، آسیای میانه، قفقاز و سایر جمهوریهای تازه استقلال یافته انجام داده‌اند، نادیده بگیریم. این جانب چون خود دست‌اندرکار این مهم هستم و به اصول فهرست‌نگاری و مشکلات کتابشناسی آشنایی دارم، آگاهم که فهرست‌نگاری کار بسیار طاقت‌فرسایی است که به فراغت بال، سعه صدر، دقت نظر، هوشیاری و اطلاعات گسترده در زمینه بیشتر علوم نیازمند است. بنابراین، اهمیت کار فهرست‌نگارانی که شب و روز به این امر بزرگ و ارزشمند اشتغال داشته‌اند، بر کسی پوشیده نیست. البته ذکر کاستیها، نه از سر انتقاد بی‌جا و بی‌دلیل، بلکه از سرِ دلسوزی و درد و عشق فراوان به این کار و هموار ساختن راه تحقیقات عمیق و گسترده برای تمامی پژوهشگران و محققانی است که به این فهارس مراجعه می‌کنند؛ و با شوق و ذوق به این فهارس پناه می‌برند؛ تا از آنها اطلاعات مورد نیاز خویش را استخراج کنند و احیاناً خودشان یا دیگران، تحقیق و تصحیح این نسخه‌ها را انجام دهند.

البته این کاستیها در بیشتر فهارس تهیه شده در اروپا، امریکا، کشورهای آسیایی، عربی و اسلامی نیز به چشم می‌خورد. همچنین فهرست کتابخانه آیت‌الله مرعشی، که تاکنون ۲۷ جلد از آن منتشر شده است.

اما در فهارسی که تاکنون به زبان فارسی ترجمه شده و یا به زبان فارسی در آسیای میانه منتشر شده است، این کاستیها با وضوح بیشتری مشاهده می‌شود، اینک به بررسی برخی از آنها می‌پردازیم:

**یک. فهرست نسخه‌های خطی موجود در ولایت بدخشان تاجیکستان، ترجمه قدرت بیگ ایلچی بیگ و سید انور شاه خماروف، زیر نظر سید علی موجانی، قم، کتابخانه بزرگ آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش، شمارگان ۱۰۰۰ نسخه.**

اصل این فهرست را، که به زبان روسی است، شرق‌شناسان مشهور روسی، پرفسور اندری برتلس و دکتر محمدوف باقیوف، از نسخه‌های خطی موجود در ایالت خود مختار بدخشان تاجیکستان تهیه کرده‌اند؛ و در سال ۱۹۶۷م آن را در یک دفتر در مسکو و به تعداد ۱۴۰۰ نسخه به چاپ رسانده‌اند. از این نسخه‌ها، که متأسفانه اکنون نمی‌دانیم چه تعداد باقی مانده، تعدادی ریز فیلم در سی سال قبل تهیه شده و در انستیتیوی آثار خطی تاجیکستان، در شهر دوشنبه،

نگاهداری می‌شود، که تعدادی از آنها به سرقت رفته است؛ و آنچه هم باقی مانده، از کیفیت مطلوبی برخوردار نیست.

با این حال، آقایان قدرت بیگ ایلچی بیگ و سید انور شاه خماروف، این متن روسی را به فارسی ترجمه کرده‌اند. هنگامی که این جانب، بنا به دعوت رسمی مرکز شرق‌شناسی ابوریحان بیرونی، به ازبکستان رفته بودم، برادر عزیزم، سید علی موجانی، چاپ ترجمه این مجموعه را - که شامل بسیاری از آثار اسماعیلیه است - پیشنهاد کردند؛ و بنده از این پیشنهاد استقبال کردم و آن را به چاپ رساندم.

فهرست‌نگاری این مجموعه، در اصل روسی، چنان که در این ترجمه از شماره‌گذاریهای اصلی دیده می‌شود، ترتیب الفبایی نداشته است، اما در ترجمه فارسی مترجمان کوشیده‌اند آن را به ترتیب الفبایی درآورند؛ و برای حفظ امانتداری، شماره‌گذاری نسخه‌ها را، بر اساس اصل روسی، در برابر شماره فارسی ثبت کرده‌اند. در این مجموعه، براساس شماره‌های داده شده، ۲۱۵ نسخه معرفی شده است، اما در مقدمه اصل روسی این مجموعه، نوشته شده که فهرست مذکور توصیف ۱۸۶ اثر خطی، شامل ۲۵۳ توصیف است و ۶۷ نسخه آن تکراری است؛ و در ۱۴۰ صفحه تدوین شده، با مقدمه‌هایی از مترجمان و مؤلفان، درباره چگونگی ترجمه و گردآوری این مجموعه و شرح و توصیف بعضی نسخه‌ها.

کاستیهایی که در این ترجمه مشاهده می‌شود، صرف نظر از این که آیا در اصل روسی نیز این کاستیها هست یا خیر، عبارت‌اند از:

۱. اطلاعات و مواد ثبت شده، نظم منطقی و یکنواختی ندارند؛ مثلاً در معرفی یک نسخه، بیان کاتب نسخه بعد از معرفی نوع کاغذ آمده، و در معرفی نسخه‌ای دیگر، پس از نوع کاغذ، شماره اوراق نسخه است، و پس از آن، کاتب و تاریخ کتابت آمده است.
۲. آغاز و انجام نسخه، در هیچ یک از توصیف نسخه‌ها نیامده است.

۳. شماره سطرها و اندازه سطرها ثبت نشده است.

۴. در مواردی که مؤلف مجهول است، کوشش نشده است که عصر تألیف یا کتابت آن را مشخص سازند.

۵. در معرفی نسخه‌ها، اشاره نشده است که به چه زبانی است. در نتیجه، ما نمی‌دانیم که آیا همه رساله‌های معرفی شده به فارسی است یا به ترکی و یا عربی و یا تاجیکی.

۶. در مواردی که برگهای نسخه ناقص بوده، ذکر نشده است که چند برگ ناقص است. همچنین ذکر از سایر نقصهای نسخه، مانند رطوبت خوردگی، نشده است.



۱. عدم رعایت اصول عنوان‌نویسی در این فهرست؛ به این معنا که در این فهرست، عنوان نسخه، از متن کتاب جدا نشده و به صورت مستقل و با رعایت فاصله در وسط صفحه، یا لااقل در بالای سطرها، قرار نگرفته و درست هم اندازه سطور متن در سمت راست صفحه واقع شده، و حتی طبق سنت صفحه آرایی کتاب، یک اشیون به داخل نرفته است که مشخص تر باشد. همچنین حروف عناوین نسخه‌ها، با حروف متن کتاب یکی است، که علی القاعده، باید درشت‌تر و یا سیاه باشد.
۲. فاصله شماره گذاری نسخه‌ها، که در سمت چپ صفحه قرار گرفته، در بسیاری موارد که نام کتاب طولانی است، درست پس از نام کتاب قرار گرفته است، که اگر این شماره گذاری در انتهای سمت راست یا سمت چپ قرار می‌گرفت، و یا در نیمه صفحه و بالای هر عنوان قرار می‌گرفت، بهتر بود.
۳. مواد کتابشناسی به صورتی هماهنگ و یکنواخت انجام گرفته، که عبارت‌اند از: عنوان، نویسنده، آغاز، انجام، کاتب، تاریخ کتابت، ابعاد و ویژگیها، ولی باز هم اصول فنی فهرست‌نگاری در آن رعایت نشده است.
۴. در معرفی بیشتر نسخه‌ها، موضوع نسخه‌ها معرفی نشده است.
۵. مشخصات جلد و نوع آن و چگونگی صحافی و دیگر شاخصه‌های آن بیان نشده است.
۶. تداخل در حروف چینی موارد یاد شده و عدم رعایت یکسانی در تنظیم این مواد؛ مثلاً در بیشتر مواقع: کاتب، تاریخ کتابت و نیمه اول سطر مربوط به ویژگیهای دیگر، در سمت چپ صفحه و مقابل دیگر مواد سمت راست قرار گرفته است. به عبارت دیگر، برخی از موارد معرفی نسخه‌ها به صورت دو ستونی و غیر منظم است.
۷. عدم ذکر شماره سطرهای یک برگ.
۸. نداشتن سال تولد و مرگ مؤلف.
۹. اغلاط فاحش چاپی، که نشان می‌دهد این فهرست اصلاً مقابله نشده است.
۱۰. نداشتن فهرست یا نمایه در پایان کتاب، به ویژه که این فهرست به ترتیب الفبا نیست. در نتیجه، برای یافتن یک نسخه، باید تمام کتاب را ورق زد.
۱۱. برخی از کاستیهایی که در فهرست نخست بیان کردیم، در این فهرست نیز مشاهده می‌شود؛ مانند شماره‌های ۴، ۶، ۹، ۱۰ و ۱۱.

۷. به تذهیب نسخه‌ها و سایر آرایشهایی که در نسخه به کار رفته، اشاره‌ای نشده است.
۸. درباره جلد کتاب و نوع رنگ و آرایش آن نیز مطلبی وجود ندارد.
۹. درباره تملک نسخه، وقف، قرائات، سماعات و اجازاتی که بر بسیاری از نسخه‌ها ثبت شده، نکته‌ای به چشم نمی‌خورد.
۱۰. در معرفی برخی نسخه‌ها، به نوبت چاپ آن نسخه نیز اشاره شده است، اما در بسیاری موارد با این که نسخه‌ای بارها چاپ شده، هیچ اشاره‌ای به آن نشده است؛ مانند رسائل اخوان الصفا.
۱۱. نداشتن فهرست یا نمایه در پایان کتاب.

دو. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه رونقی شهر سبز ازبکستان، به کوشش شادمان بیگ و احدوف و افتان دل ارکین‌اف، زیر نظر سید علی موجانی، قم، کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش، شمارگان ۱۰۰۰ نسخه.

این فهرست، فهرست مجموعه خطی کتابخانه شخصی فیض‌الله خواجه بن عنایت‌الله خواجه، معروف به رونقی شهر سبزی (۱۸۹۰-۱۹۷۸ م) است. وی خطاط و کاتب بود، و ۱۷۹ اثر خطی را گرد آورد. شهر سبزی یا «کش»، همان زادگاه معروف امیر تیمور گورکانی است که در هشتاد کیلومتری سمرقند واقع شده است. در فاصله سالهای ۱۷۴۷-۱۹۲۰ م در این شهر، چهل خطاط و کاتب مشهور وجود داشته، که رونقی یکی از آنهاست؛ و نشانه آن است که این شهر نیز، مانند سمرقند و بخارا، مدتها مهد علم و کانون دانش بوده است.

در کتابخانه رونقی، غیر از ۷۹ نسخه خطی، شامل ۱۱۶ رساله، بیش از صد جلد کتاب چاپ سنگی وجود داشته است. در این فهرست، ۱۵۴ اثر به زبان فارسی، ۴۵ اثر به زبان عربی، یازده رساله به زبان فارسی و عربی، شش رساله به زبان فارسی و ازبکی، دو رساله به زبان ازبکی، و یک رساله هم به زبان فارسی، عربی و ازبکی است، در ۷۲ صفحه، که از صفحه ۵۲ تا ۷۲ تصاویری از دستخط رونقی، آلات و ادوات شخصی رونقی در کتابت، تصویر همسروی، و صفحاتی از برخی نسخه‌های معرفی شده در این فهرست دیده می‌شود.

کاستیهای این فهرست، که در اصل به زبان فارسی تهیه شده، عبارت‌اند از:

سه. فهرست نامگوی نسخ خطی مخزن حمید سلیمان، انستیتوی شرق‌شناسی ابوریحان بیرونی ازبکستان، به کوشش سیدعلی موجانی و زیر نظر اینجانب و دکتر عزیز پولاتویچ قیوم‌اف، قم، کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی، با همکاری دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه ایران و انستیتوی شرق‌شناسی ابوریحان بیرونی، چاپ اول، ۱۳۷۷ش، ۱۱۵۲ صفحه، شمارگان ۱۰۰۰ نسخه.

اسامی پدیدآورندگان این فهرست عبارت‌اند از: بختیار ارکین‌اف، بهمن اکبری، غلام‌خان اکرام‌اف، محسن پاک آیین، داوود چرمی، باتریگ حسن‌اف، نسیم رحمانوف، باباخان قاسم‌اف، عزیزخان پولاتویچ قیوم‌اف، حبیب‌الله کرامتف و سید علی موجانی.

انستیتوی نسخ خطی، وابسته به فرهنگستان علوم ازبکستان، در سال ۱۹۷۸ م/ ۱۳۵۶ ش، به منظور گردآوری کتابهای خطی و چاپ سنگی، بنا نهاده شد؛ و اینک نزدیک به پانزده هزار نسخه خطی و چاپ سنگی را در خویش جای داده است، که نزدیک به پنجاه هزار رساله را در بردارد. همچنین در مخزن آن، اسناد و مدارک شخصی ۱۵۰ نفر از ادیبان معروف ازبکستان، که حدود پانصد هزار برگ است، نگهداری می‌شود.

نخستین رئیس این انستیتو، مرحوم حمید سلیمان (۱۹۰۹-۱۹۷۸م) بود، که این مجموعه با تلاش و اهتمام او پایه‌گذاری شد. از این رو، این انستیتو به نام او نامگذاری شده است. در مخزن این انستیتو، افزون بر آثار فارسی، کتابهای نفیس عربی نیز وجود دارد. یکی از نسخه‌های نادر آن، کلیات سعدی است، با این مشخصات: کتابت ۱۰۹۸ ق، ۴۴۳ برگ، کتابت عبدالله سید بن احمد، به خط غبار، شماره ۱. نیز شاهنامه فردوسی، خمسة نظامی، آثار عطار، مولانا، حافظ و سایر شاعران، در مخزن انستیتو موجود است.

در سال ۱۹۹۸ م میان کتابخانه آیت‌الله مرعشی و انستیتوی نسخ خطی حمید سلیمان، قراردادی برای همکاریهای علمی منعقد شد؛ و این فهرست، نمودار اولین همکاری این دو مرکز علمی است.

در این فهرست، ۷۵۵۴ نسخه خطی معرفی شده است؛ و در پایان، فهرست الفبایی اسامی نسخه‌ها قرار گرفته است، که کار مراجعه به این فهرست را آسان می‌گرداند.

گفتنی است که اوراقی که اسامی نسخه‌های خطی این انستیتو بر روی آن نوشته شده، بخشی به فارسی و بخشی به روسی و با حروف کریل بود. چون ما با زبان روسی آشنایی نداشتیم، قرار شد که این

اوراق را به فارسی ترجمه کنند و از آن فهرستی فارسی تهیه نمایند که کتابخانه آن را منتشر سازد. پس از ترجمه این اوراق و ارسال آن به ایران، متوجه شدم که این اوراق، به دلیل کاستیهای فراوان، نمی‌تواند فهرست به معنای مصطلح باشد، اما چون قرارداد بسته بودیم، چاره‌ای جز انتشار آن نداشتیم. از این رو، نام آن را «فهرست نامگوی» نهادیم، که اشارتی است به این که در این دفتر، فقط اسامی کتابها منعکس شده است، لذا در نقد و بررسی آن، تنها به برخی کاستیهای کلی اشاره می‌کنیم.

اما کاستیهای این فهرست، که از اوراق ثبتی انستیتو سرچشمه گرفته است، عبارت‌اند از:

۱. پدید آورندگان این اثر، برای تکمیل اطلاعات کتابشناسی، به نسخه‌های خطی موجود در انستیتو مراجعه نکرده‌اند.

۲. چون این دفتر از روی کارتها و اوراق برگه‌دانه‌های انستیتو فراهم شده، در برخی موارد شماره یک نسخه را در این دفتر آورده‌اند، و گفته‌اند نسخه آن موجود نیست؛ بدون این که نام و مشخصات آن نسخه را که در برگه‌دانه‌ها وجود داشته منعکس کنند؛ یا دست کم، شماره آن را نیز در این دفتر ثبت نسازند.

۳. نقصی که در فهرست شماره دو، درباره چگونگی عنوان‌نویسی در بند ۱ عنوان کردیم، در این فهرست نیز مشاهده می‌شود؛ با این تفاوت که شماره نسخه، در این جا در بالای عنوان در سمت راست صفحه و موازی با عنوان کتاب قرار گرفته است.

۴. نداشتن آغاز و انجام کتاب.

۵. عدم ذکر موضوع کتاب.

۶. نیاوردن نام مؤلف در بیشتر موارد؛ و در مواردی که نام مؤلف آمده، معمولاً بدون القاب و عناوین است؛ و در همه موارد، سال تولد و وفات ذکر نشده است.

۷. کاستیهای دیگر این فهرست، همان نواقصی است که در فهرست پیشین اشاره کردیم. بنابراین، بار دیگر به آنها نمی‌پردازیم، زیرا این دفتر فهرست توصیفی نیست، بلکه فهرستی از نام نسخه‌هاست.

**چهارم. فهرست نسخ خطی فارسی انستیتوی آثار خطی تاجیکستان،** زیر نظر سید علی موجانی و امریزدان علی مردان، با همکاری جمعی از فهرست‌نویسان این انستیتو و آقای علی اشرف مجتهد شبستری، مسئول ایرانی پروژه در تاجیکستان؛ آقای عباس ملکی، سرپرست ایرانی پروژه؛ آقای شمس‌الدین نورالدین، مدیر تاجیکی انجام پروژه؛ آقای حمیدرضا مدد، وابسته مطالعاتی

مراجعه به آن را آسان می‌سازد. متأسفانه تعداد نسخه‌های معرفی شده در این فهرست، به دلیل نداشتن شماره مسلسل، در اختیار نیست؛ و در مقدمه نیز به آن اشاره نشده است.

کاستیهای این فهرست به این شرح است:

۱. نداشتن شماره مسلسل نسخه‌های معرفی شده در این فهرست.

۲. عدم بیان آغاز و انجام نسخه.

۳. عدم بیان تعداد اوراق ناقص، و این که نقص در آغاز یا در

انجام و یا سایر برگهای آن است.

۴. مجهول بودن مؤلف بسیاری از نسخه‌ها، و عدم ذکر این که هر

نسخه مربوط به چه دوره‌ای است. البته بیشتر آنها تاریخ کتابت

و کاتب دارد.

۵. کاستیهای دیگر آن، مثل نخستین فهرست معرفی شده، به

ویژه بندهای ۲ و ۹ و ۱۰ است.

## پنج. فهرست نسخه‌های خطی فارسی مؤسسه

خاورشناسی فرهنگستان علوم روسیه، جمعی از نویسندگان

روسی، ترجمه عارف رمضان، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب

اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۵ ش، شمارگان ۱۰۰۰ نسخه.

انستیتوی خاورشناسی (ملل آسیایی) فرهنگستان علوم روسیه،

یکی از مخازن غنی جهان به شمار می‌رود. این انستیتو در سال ۱۸۱۸

میلادی، بنیانگذاری شد. در آغاز، «موزه آسیایی فرهنگستان علوم»

و سپس «انستیتوی شرق‌شناسی» و بعد «انستیتوی ملل آسیایی»

نامیده شد. هسته اولیه نسخه‌های خطی آن را حدود پانصد نسخه از

مخطوطات روسو تشکیل داده، که از این تعداد ۱۵۲ نسخه آن به

زبان فارسی است، و از آسیای میانه، شهرهای ساحلی رودخانه

و لگا، ایران، ترکستان شرقی و قفقاز گردآوری شده است.

قدیمیترین نسخه آن، السامی فی الاسامی است، که در نهم

ذی‌حجه سال ۵۳۷ کتابت شده است؛ و جدیدترین نسخه رساله‌ای

در عقاید اسماعیلیه است، که در سال ۱۳۵۰ ق استنساخ شده است.

یادآوری می‌شود که این فهرست حاوی ۲۸۹۷ نسخه و ۴۴۸۰

عنوان رساله است.

کاستیهای این فهرست عبارت‌اند از:

۱. اطلاعات کتابشناسی آن ناقص است، و فقط به همین چند

مورد خلاصه می‌شود: نام کتاب، نام نویسنده، شماره کتاب،

موضوع، کاتب، محل و تاریخ کتابت و شماره ثبت. البته در بسیاری

از نسخه‌ها، همین موارد هم ناقص عرضه شده است؛ مثلاً کتاب جامع

عباسی، که در فقه است، کتابی کلامی به شمار آورده؛ یا جامع

سفارت جمهوری اسلامی ایران در ازبکستان؛ آقای جوادی‌بیگ

نذیرف، سرپرست تاجیکی پروژه و تنی چند از مصححان. تهران،

مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز وزارت امور خارجه، ۱۳۷۶

ش، جلد اول، شمارگان ۲۰۰۰ نسخه، در ۳۶۷ صفحه، و جلد دوم،

زیر نظر سید علی موجانی، جورابیگ نذیرف، علی بهرامیان و

امریزدان علی مردان، قم، کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله العظمی

مرعشی نجفی، با همکاری دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی،

تهران، چاپ اول، ۱۳۷۸ ش، شمارگان ۱۰۰۰ نسخه، در ۳۶۷ صفحه.

همکاران این جلد و پدیدآورندگان: قدرت بیگ ایلچی بیگ، علی

بهرامیان، سید محمد صادق خرازی، سید انور شاه خماروف،

محمد عیسی رحمت‌الله یف، علیرضا زمانیان کوبایی، سید عباس

عراقچی، امریزدان علی مردانف، نادره فاضل، حمیدرضا مدد، سید

علی موجانی، سید رسول موسوی، جولان بانو نجم‌الدین و

جورابیگ نذیرف.

مرکز دستنوشته‌های آکادمی علوم جمهوری تاجیکستان، در

سال ۱۹۵۱ م، در شهر دوشنبه تاجیکستان تأسیس گردید؛ و از سال

۱۹۵۳ م همه نسخه‌های خطی‌ای که از آغاز سال ۱۹۳۰ م به بعد، در

کتابخانه دولتی ابوالقاسم فردوسی و دیگر مؤسسات گرد آمده بود،

در اختیار این مرکز قرار گرفت؛ و گنجینه آثار خطی آکادمی علوم

جمهوری تاجیکستان تشکیل گردید. پس از ۴۴ سال از تاریخ

تأسیس، اکنون بیش از ۵۷۵۰ نسخه خطی و ۶۳۴۰ جلد کتابهای چاپ

سنگی در آن نگاهداری می‌شود، که حدود دو سوم آنها فارسی، و

بقیه عربی و ترکی و برخی زبانهای دیگر است؛ و قدمت برخی از

آنها به قرن سیزدهم میلادی باز می‌گردد.

قدیمیترین نسخه‌های خطی گنجینه دستنویسهای آکادمی علوم

تاجیکستان عبارت‌اند از: ترجمه تاریخ طبری و تکمیل آن به دست

بلعمی (متوفی ۳۶۳ ق / ۹۷۴ م)، شماره ۲۰۰۰؛ التفهیم لاویل صناعة

التنجیم، ابوریحان بیرونی (متوفی ۴۳۰ ق / ۱۰۳۸ م)، شماره ۳۸۵؛

کیمیای سعادت، ابوحامد غزالی (متوفی ۵۰۶ ق / ۱۱۱۱ م)، شماره

۱۰۰۷؛ کلیات سعدی (متوفی ۶۹۰ ق / ۱۲۹۱ م)، شماره ۵۰۳، که

مربوط به سده سیزده میلادی هستند. شماری از این دستنوشته‌ها به

خط مؤلفان آنهاست. از آن میان، رساله مقامات ابوسعید ابوالخیر،

شرح المغنی ابومحمد منصور، مجمع القصاید و رساله قافیه نورالدین

احمد، جزو نوادر مخطوطات این گنجینه است.

این فهرست به صورت موضوعی است؛ و در هر موضوع،

نسخه‌ها به صورت الفبایی تنظیم شده‌اند. در پایان جلد دوم،

فهرستی الفبایی از نام نسخه‌ها و اعلام این فهرست تهیه شده که کار

الانساب، که در نسب‌شناسی است، کتابی کلامی معرفی کرده است.  
۲. استاد احمد منزوی، که از فهرست‌نگاران بنام‌نسخه‌های فارسی در ایران است، اظهار می‌داشتند که با تطبیق این ترجمه با اصل فهرست، که به زبان روسی است، متوجه شدم ترجمه بسیار نارسا تر از اصل روسی آن است. در این ترجمه، بسیاری از موارد، که در اصل وجود دارد، حذف شده است؛ از جمله در بخش مجموعه‌ها، باین‌که در اصل آن، همه رساله‌های یک مجموعه با نام و مشخصات یاد شده است، در این ترجمه، همه آنها حذف شده، و فقط در برخی موارد، به گفتن این که این مجموعه دارای دو یا ده رساله است، اکتفا شده است.  
۳. نمی‌توان این فهرست را ترجمه دانست، بلکه باید نام آن را اقتباس گذاشت.

۴. به گفته استاد منزوی، توضیحات کتابشناسی و نسخه‌شناسی در هفتاد مدخل، از جمله در معرفی کتاب تحفة الوزیر (صفحة ۱۰۷)، توضیحات آن حذف گردیده، و یا در همان صفحه، توضیحات مربوط به کتاب التحقیقات الصوفین به کلی حذف شده است.  
۵. در پایان، نمایه نام نگارندگان و کاتبان آورده نشده است.  
۶. برخی از موارد کاستیهایی که در سایر فهرس‌گذشته ذکر شد، در این ترجمه نیز به چشم می‌خورد.

گفتنی است که در این سفر، از کتابخانه‌ها و مراکز فرهنگی سن پترزبورگ، از جمله کتابخانه سالتیکوف شچدرین، بازدید کردیم. متأسفانه در فهرست چاپ شده دو جلدی این کتابخانه، که آن را «دورن» در حدود صد سال قبل نوشته است، پس از بررسی بعضی از نسخه‌های خطی، از جمله احسن الکبار، به فارسی، تاریخ کتابت آن را حدود صد سال بعد از کتابت اصل کتاب دانسته است. احتمالاً از این گونه اشتباهات در این فهرست نیز راه یافته باشد.

## پیشنهادها

اینک پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می‌شود:

- چون این فهرس عموماً به زبان روسی و با خط کریل است و همگان با این زبان آشنایی ندارند، مناسب است ترتیبی داده شود که به زبانهای انگلیسی، فارسی و عربی نیز ترجمه شوند؛ تا همه ملت‌ها از آنها بهره‌مند گردند.
- پیش از ترجمه، یا هنگام ترجمه، ترتیبی داده شود که اطلاعات و توصیف‌های کتابشناسی و نسخه‌شناسی این فهرس، براساس روشهای جدید، تکمیل شوند.
- برای تکمیل و ترجمه این فهرس، هیئت‌ها و گروه‌های علمی،

متشکل از افراد کتابشناس، نسخه‌شناس و متخصصان فهرست‌نگاری تشکیل گردد؛ و این هیئت‌ها و گروه‌ها، شیوه‌ای روزآمد تهیه کنند؛ تا فهرست‌نگاران و مترجمان، همان شیوه را به کار بندند و از ناهماهنگی در کارها بپرهیزند.

۴. مطالعات ایران‌شناسی تا حد زیادی به همین موجودی نسخه‌های خطی فارسی وابستگی دارد. از این رو، باید هیئت‌ها و گروه‌های علمی - از ایران، روسیه، جمهوریهای تازه استقلال یافته، به ویژه قفقاز و جمهوریهای آسیای میانه - تشکیل شود و با همکاری و هماهنگی مطالعات ایران‌شناسی را - در همه دوره‌ها، به ویژه دوره اسلامی، مورد ارزیابی و تجدید نظر قرار دهند.

۵. برای هماهنگ‌سازی فعالیتها در چهار مورد گذشته، لازم است نشست‌ها، سمینارها و همایش‌هایی در هر یک از این کشورها صورت پذیرد و مطالعات و فعالیت‌های انجام شده مورد ارزیابی و بحث و بررسی قرار گیرند و تصمیم‌های لازم اتخاذ گردد.

در پایان، یادآور می‌شود که گزارش این سفر را به تفصیل نگاشته‌ام و ان شاء الله در شماره آینده خواهد آمد. همچنین به زودی اطلاعات بیشتری به این مقاله ضمیمه می‌شود و در یادمان آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی (ره) به چاپ خواهد رسید.

## منابع

۱. الآداب العربية فی القرن التاسع عشر، لويس شيخو، بيروت، ۱۹۲۶ م.
۲. الاسلام والحضارة العربية، محمد كرد علي، قاهره، ۱۹۵۰ م.
۳. انباه الرواة علی أنباه النحاة، علی بن يوسف قفطی، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، ۱۹۵۰-۱۹۷۴ م.
۴. تاریخ الامم والملوک، محمد بن جریر طبری، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، ۱۳۸۷ ق/ ۱۹۶۷ م.
۵. تاریخ الفلسفة فی الاسلام، ترجمه محمد عبدالهادی ابوریثه، قاهره، ۱۹۷۵ م.
۶. جمهرة انساب العرب، علی بن احمد بن سعید الظاهری الاندلسی (ابن حزم)، تحقیق عبدالسلام هارون، قاهره، ۱۹۷۷ م.
۷. جهان ایران‌شناسی، شجاع الدین شفا، تهران، ۱۳۴۸ ش/ ۱۹۶۹ م.
۸. حضارة الاسلام، صلاح الدین خدابخش، ترجمه علی حسنی خربوطلی، بیروت، ۱۹۷۱ م.
۹. حضارة الاسلام، گوستاو گرونیباوم، ترجمه عبدالعزیز جاوید، قاهره، ۱۹۶۰ م.

۱۰. خزائن الكتب العربية في الخافقين، فيليب دي طرازي، بيروت، ۱۹۴۷ م.
۱۱. خزائن الكتب القديمة في العراق، كوركيس عواد، بيروت، ۱۴۰۶ ق / ۱۹۸۶ م.
۱۲. دارالكتب المصرية، تاريخها و تطورها، ايمن فؤاد سيد، بيروت، ۱۹۹۶ م.
۱۳. درآمدی بر دائرة المعارف كتابخانه های جهان، زیر نظر دکتر مرعشی نجفی و علی رفیعی علامرودشتی، قم، ۱۳۷۴ ش / ۱۹۹۵ م.
۱۴. دراسات في علم المخطوطات و البحث الببليوجرافي، احمد شوقی بنین، رباط، ۱۹۹۳ م.
۱۵. رحلة الكتاب العربي، محمد ماهر حماده، بيروت، ۱۴۱۲ ق / ۱۹۹۲ م.
۱۶. طبقات الاطباء و الحكماء، سليمان بن حسان الاندلسي (ابن جلجل)، تحقيق فؤاد سيد، قاهره، ۱۹۵۵ م.
۱۷. العلم عند العرب و أثره في تطور العلم العالمي، دوميلي، ترجمه عبدالحليم نجار و محمد يوسف مرسى، قاهره، ۱۹۶۲ م.
۱۸. عيون الانباء، احمد بن قاسم السعدی (ابن ابی اصبيعه)، تحقيق اگوست مولر، قاهره، ۱۸۸۲ م.
۱۹. فهرس المخطوطات العربية في العالم، كوركيس عواد، كويت، ۱۹۸۴ م.
۲۰. الفهرست، محمد بن اسحاق (ابن نديم)، تحقيق رضا تجدد، تهران، ۱۳۵۰ ش / ۱۹۷۱ م.
۲۱. فهرست نامگوي نسخ خطي مخزن حميد سليمان، به كوشش سيد علي موجاني، قم، ۱۳۷۷ ش / ۱۹۹۸ م.
۲۲. فهرست نسخه های خطی فارسی انستیتوی آثار خطی تاجیکستان، زیر نظر سيد علي موجاني و امريزدان علي مردان و ديگران، تهران و قم، ۱۳۷۶-۱۳۷۸ ش / ۱۹۹۷-۱۹۹۹ م.
۲۳. فهرست نسخه های خطی کتابخانه رونقی - شهرسبز، به كوشش شادمان بيگ و احدوف و افتان دل ارکين اف، زیر نظر سيد علي موجاني، قم، ۱۳۷۷ ش / ۱۹۹۸ م.
۲۴. فهرست نسخه های خطی موجود در ولايت بدخشان تاجیکستان، ترجمه قدرت بيگ ایلچی بيگ و سيد انورشاه خماروف، زیر نظر سيد علي موجاني، قم، ۱۳۷۶ ش / ۱۹۹۷ م.
۲۵. فهرست نسخه های فارسی موجود در کتابخانه عمومی دولتی سالتیکوف شچدرین، گ.ی. کاستیکووا، ترجمه عارف رمضان، قم، ۱۳۷۵ ش / ۱۹۹۶ م.
۲۶. قاموس المحيط، محمد بن يعقوب فيروزآبادی، بيروت، ۱۹۸۷ م.
۲۷. قواعد فهرسة المخطوطات العربية، صلاح الدين المنجد، بيروت، ۱۳۹۶ ق / ۱۹۷۶ م.
۲۸. کتابخانه ها و مجموعه های نسخه های خطی عربی در جهان، فؤاد سزگين، ترجمه و تنظيم چنگيز پهلوان، تهران، ۱۳۶۶ ش / ۱۹۸۷ م.
۲۹. کتابشناسی فهرستهای نسخه های خطی فارسی در کتابخانه های دنيا، به كوشش ايرج افشار، تهران، ۱۳۳۷ ش / ۱۹۵۸ م.
۳۰. الكتاب العربي المخطوط و علم المخطوطات، ايمن فؤاد سيد، قاهره، ۱۹۹۷ م.
۳۱. كشف الاستار عن وجه الكتب و الاسفار، سيد احمد صفائي خوانساری، قم، ۱۴۰۹-۱۴۱۵ ق / ۱۹۸۸-۱۹۹۴ م.
۳۲. كشف الحجب و الاستار عن وجه الكتب و الاسفار، سيد اعجاز حسين نيشابوری كنتوری (هندي)، قم، ۱۴۰۹ ق / ۱۹۸۸ م.
۳۳. كشف الظنون، حاجی خليفه، به كوشش گوستاو فلوگل، لايبزيك، ۱۸۳۷-۱۸۵۸ م.
۳۴. پیام نو، تهران، اسفند ۱۳۴۵ ش / فوریه و مارس ۱۹۶۶ م، سال ۳، شماره ۵.
۳۵. راهنمای کتاب، تهران، ۱۳۴۳ ش / ۱۹۶۴-۱۹۶۵ م، جلد ۷.
۳۶. مجله معهد المخطوطات العربية، قاهره، ۱۹۵۶ م، مجلد ۲، جزء ۲.
۳۷. مجله وحيد، تهران، ۱۳۴۴ و ۱۳۴۵ ش / ۱۹۶۵ و ۱۹۶۶ م، سال ۲، شماره های ۵، ۸، ۱۰ و سال ۳، شماره های ۲، ۹.
۳۸. مجموعه نسخه های خطی فارسی فرهنگستان علوم جمهوری ازبکستان، زیر نظر آ.آ. سیمینوف، ترجمه عارف رمضان، قم، ۱۳۷۵ ش / ۱۹۹۶ م.
۳۹. المخطوطات الاسلامية في العالم، تحقيق و ترجمه عبدالستار الحلوجي، لندن، ۱۴۱۷ ق / ۱۹۹۷ م.
۴۰. المستشرقون، نجيب عقيبي، قاهره، ۱۹۶۴ م.
۴۱. معجم الادياء، ياقوت حموي، تحقيق احمد فريد رفاعي، قاهره، ۱۹۳۶-۱۹۳۸ م.
۴۲. المنتظم في تاريخ الملوك و الامم، عبدالرحمان بن علي (ابن جوزي)، حيدرآباد، ۱۳۵۷-۱۳۵۹ ق / ۱۹۳۸-۱۹۴۰ م.
۴۳. نسخه های خطی، محمد تقی دانش پژوه و ايرج افشار، تهران، ۱۳۵۸ ش / ۱۹۷۹ م.
44. *Geschichte des Arabischen Schrifttums*, Fuat Sezgin, Leiden, 1970.
45. *World Survey of Islamic Manuscripts*, G.Ed.Geoffrey Roper, London, 1992-1994.